

حقوق الله

مجموعه‌ای از منتخبات نصوص مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء
دست‌خط‌های صادره توسط ویا از طرف حضرت ولی امرالله و بیت العدل اعظم
به انضمام ترجمه دست‌خط‌های صادره به زبان انگلیسی
توسط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی

آوریل ۲۰۰۷

بازبینی اوت ۲۰۰۹

منتخبات

۱-۳۱

۳۲-۸۰

۸۱-۱۰۳

۱۰۴-۱۱۲

۱. اساس حکم حقوق الله

۲. اجرای حکم حقوق الله

۳. وظایف امنای حقوق الله و محافل روحانی

۴. مصارف حقوق الله

۱. اساس حکم حقوق الله

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله^۱

[۱]

سبحانک یا ربّ الکائنات و مرجع الممكنات اشهد بلسان ظاهری و باطنی بظهورک و بروزک و انزال آیاتک و اظهار بیناتک و باستغنائک عن دونک و تقدیسک عمّا سواک استلک بعزّ امرک و اقتدار کلمتک ان تؤیّد الذی اراد ان یؤدّی ما امرته به فی کتابک و یعمل ما یتضوّع به عرف قبولک انک انت المقتدر الفیاض الغفور الکریم.

[۲]

اینکه اراده زیارت بیت نمودید نزد مظلوم مقبول و محبوبست ... بگو یا قوم اول امر عرفان حقّ جلّ جلاله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و ما عند القوم بما امر به الله بوده. لذا باید اول حقوق الهی ادا شود و بعد توجه به بیت محض فضل این کلمه ذکر شد.

[۳]

و الذی تملک مائة مثقال من الذهب فتسعة عشر مثقالاً لله فاطر الأرض و السماء ایاکم یا قوم ان تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل العظیم قد امرناکم بهذا بعد اذ کنا غنیاً عنکم و عن کلّ من فی السموات و الارضین انّ فی ذلک لحکم و مصالح لم یحط بها علم احد الا الله العالم الخبیر قل بذلک اراد تطهیر اموالکم و تقریبکم الی مقامات لا یدرکها الا من شاء الله انه لهو الفضل العزیز الکریم یا قوم لا تخونوا فی حقوق الله و لا تصرفوا فیها الا بعد اذنه کذلک قضی الامر فی الألواح و فی هذا اللوح المنیع من خان الله یخان بالعدل و الذی عمل بما امر ینزل علیه البرکة من سماء عطاء ربّه الفیاض المعطى البازل القدیم انه اراد لکم ما لا تعرفونه الیوم سوف یعرفه القوم اذا طارت الأرواح و طویت زرابی الأفراح کذلک یدکرکم من عنده لوح حفیظ.
(کتاب اقدس، بند ۹۷)

^۱ کلیه آثار مندرجه در این مجموعه منتخباتی است از الواح مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء از آرشیو مرکز جهانی بهائی به استثنای آنهایی که منابع آنها ذکر شده است.

[۴]

آنچه در دنیاست قابل ذکر نبوده و نیست و لکن اگر نفسی فائز شود و در سبیل الهی یک درهم او اقل انفاق نماید عند الله از کنوز اولی و اقدم بوده و هست اینست که حقّ جلّ جلاله عاملین و منفقین را در جمیع کتب خود ذکر فرموده. از حقّ بخواهید که کل را مؤید فرماید بر ادای حقوق چه که به اسباب امر مرتفع می شود و ظاهر می گردد. اگر عباد مقام اعمال را در این ایام بدانند کل به آنچه سزاوار است عامل شوند. الأمر بیده یحکم کیف یشاء و هو الحاکم البادل العادل المبین الحکیم.

[۵]

سالها حقوق اخذ نشد... و لکن در سنین اخیره نظر به مقتضیات وقت اخذ حقوق را مجری داشتیم و لکن طلب آن را منع نمودیم. جمیع باید به اعزاز کلمه و ارتفاع امر ناظر باشند. امروز اگر نفسی جمیع خزائن عالم را بدهد و اقلّ از خردل از عزّت امر الله بکاهد جائز نبوده و نیست. جمیع عالم از حقّ بوده و هست هر نفسی به کمال روح و ریحان خود اقدام در ادای حقوق نماید اخذ شود والا فلا. این عمل خیرش به خود نفوس راجع و این فقره هم نظر به اسباب امر شد ابی الله ان یجری الأمور الاّ بأسبابها. از این جهت امر به اخذ نمودیم.

[۶]

حقّ جلّ جلاله مقدّسست از آنچه ذکر شده و می شود و منزهست از عالم و ذخایر آن آنچه می فرماید ثمرش به خود عباد راجع سوف یرون ما نطق به لسان العظمة من قبل و من بعد و آنهم اگر به کمال روح و ریحان و خضوع و خشوع تمام تقدیم نمایند.

[۷]

یا زین نفوسی که به حکم کتاب عاملند اعلی الخلق لدی الحقّ مذکورند. شکّی نبوده و نیست که آنچه از افق سماء امر الهی اشراق می نماید محض حکمت و مصلحت خود عباد است و این وجوهات جزئیّه هم لایق ذکر نه و لکن چون عامل لوجه الله عمل می نماید محبوبست اگر یک حبه باشد اکلیل خرمن های عالم است.

[۸]

هر نفسی الیوم فائز شود به ادای حقوق الهی او از نفوس نیست که به احکام حقّ جلّ جلاله عامل شده اند و به آنچه از قلم اعلی جاری گشته فائز گشته اند و لکن لازال نوشتیم و امر نمودیم که احدی مطالبه ننماید. هر نفسی خود اقبال نماید و به کمال روح و ریحان حقوق الله را ادا کند اخذ نمایند و من دون آن جایز نبوده و نیست. غافلین را فی الجملة باید متذکر نمود عمل باید از روی رضا واقع شود در کلّ امور اعزاز امر الله را باید ملاحظه نمود. از قبل

نوشتیم اگر جمیع عالم را نفسی مالک باشد و بدهد و به قدر خردلی از عزت امر بکاهد ترک آن مال لازم و واجب است اینست امر الله از قبل و بعد طوبی للعاملین. امر به ادای حقوق این فضلی بود از جانب حقّ جلّ جلاله و خیر آن به عاملین راجع باید کل شکر نمایند حقّ منبع را که ایشان را مؤید فرموده بر ادای حقوق. مدت ها قلم را اخذ نمودیم و در این باب امری صادر نه تا آنکه حکمت بالغه اقتضای اخذ نمود ابی الله ان یجری الأمور الاّ بأسبابها لازم است اعانت بعضی و ملاحظه بعضی ولكن به اذن الله المهيمن القيوم.

[۹]

واینکه در باره حقوق ذکر نمودی این مخصوص است به حقّ جلّ جلاله باید به ساحت اقدس ارسال شود الأمر بیده یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید ... این فقره فرض است بر کل و شرف کل در ادای آنست چه که سبب تطهیر اموال و برکت و ازدیاد نعمت بوده و هست و تا حال ناس از این فقره غافلند سعی نموده و می نمایند یا از حلال و یا از حرام چیزی ذخیره نمایند و از برای وراثی که ثمر آن معلوم نیست بگذارند بگو امروز کلمه الله وارث است چه که مقصود از وارث ابقای ذکر و اثر بوده و این بسی واضح و معلوم است که قرون و اعصار این اذکار را محو نماید ولكن هر کلمه‌ئی که از قلم اعلی در باره نفسی جاری شد به دوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است.

[۱۰]

کتاب الکرّم انزلہ مالک القدم والذی تزیّن به اّنه ممّن یشار بالبنان ویصلی علیه الرّحمن من ملکوته الممتنع المنیع اّنه مع علوّ قدره و کبر مقامه لو یتجاوز عن حدّه یدکر بالاسراف من لدن علیم حکیم خذوا الاعتدال هذا ما امرکم به الغنی المتعال فی کتاب کریم ان انفقوا یا مظاهر هذا الاسم و مطالعه علی الذین تجدونهم علی فقر مبین قل ایاکم یا اهل الغناء ان یمنعکم لفظ المبین عن الانفاق فی سبیل الله ربّ العالمین قل لعمر الله لا یحتقر احد بالفقر عند ربّه بل یزداد لو یجده من الصّابرين طوبی لفقییر صبر و ویل لغنیّ امسک حقوق الله و ما فرض علیه فی لوحه الحفیظ قل لا تفتخروا بما عندکم من المال تفکّروا فی المآل و ما قدر لکم جزاء اعمالکم فی کتاب الله العلیّ العظیم طوبی لغنیّ ما منعه الغناء عن الله مالک الأسماء اّنه من افضل الخلق لدى الحقّ العزیز العلیم قل قد اتی الیوم و اّنه لربیع الأعمال لو انتم من العارفين ان اجهدوا یا قوم لیظهر منکم ما ینفعکم فی عوالم ربکم العزیز الحمید قل تمسکوا بالأخلاق المرضیّة و الأعمال الحسنه و لا تكونوا من المتوقّفين ینبغی لكلّ نفس ان یتشبّث بما یرتفع به امر الله ربکم المقتدر القدير قل اما ترون الدّینا و شئوناتها و تلواناتها و تغییراتها فکیف تقنعون بها و بما فیها ان افتحوا ابصارکم و کونوا من المتبصّرين سوف تذهب بهم کالبرق بل اسرع یشهد بذلك مالک الملک فی هذا اللّوح البدیع اّنک اذا اخذک جذب آیات ربک ان اشکر و قل لک الحمد یا مقصود القاصدين ان افرح بما توجه الیک القلم الأعلی و انزل لک ما کلت عن وصفه السن الابداع و کلّ لسان منبع.

[۱۱]

ادای حقوق بر کل واجب و نفع آن به انفس عباد راجع ولكن قبول آن معلّق است به روح و ریحان و رضای نفوس عادلّه عامله در این صورت اخذ جایز و آلا فلا ان ربك هو الغنيّ الحميد.

[۱۲]

این بسی معلوم و واضحست که ادای حقوق الهی سبب نعمت و برکت و عزّت و حفظ بوده و خواهد بود طوبی لمن عرف و اعترف و ويل للمنكرين و این در صورتیست که به کمال روح و ریحان و میل به احکام کتاب عمل نمایند. بر آن حضرت است امر به معروف من سمع لنفسه و الذي لم يسمع فعليه ان ربنا الرحمن لهو الغنيّ الحميد.

[۱۳]

فی الحقیقه امر حقوق الهی امر بزرگی است بر جمیع ادای آن لازم چه که اوست سبب نعمت و برکت و خیرات و ما يكون مع كلّ نفس في كلّ عالم من عوالم ربها الغنيّ الكريم.

[۱۴]

امروز بر هر نفسی خدمت امر الله لازم امورات ارض را حقّ جلّ جلاله به اسباب معلّق فرموده حقوق الهی را هر نفسی باید ادا نماید.

[۱۵]

سبحان الله خزائن ملوک و ملکات در یوم ظهور مذکور نه و لدى الله مقبول نه و لكن خردلی از اولیا در ساحت اقدس اعلی مذکور و به طراز قبول مزین تعالی فضله و تعالت عظمته.

[۱۶]

منافع امورات خیریه به خود نفوس راجع و در این مقامات نطق یک کلمه کافیت. هر نفسی به کمال روح و ریحان و تسلیم و رضا ادا نمود لدى الله مقبول و آلا انه غنيّ عن العالمين ... طوبی از برای نفوسی که فائز گشتند به آنچه در کتاب الهی مذکور و مسطور است. باید کل به ما اراده الله عامل شوند چه که آنچه در کتاب از قلم اعلی نازل سبب و علّت تطهیر و تنزیه و تقدیس و نعمت و برکت بوده و هست طوبی للفائزين.

هیچ عملی ضایع نشده و نخواهد شد اعمال خیریه کَلْهَا کنوزند عندالله از برای صاحبانش طوبی لعبد عمل ولأمة عملت فی سبیل الله ربنا و رب العالمین ... حقوق الهی باید در صورت امکان و روح و ریحان داده شود نفوسی که استطاعت ندارند به طراز عفو الهی مزینند.

[۱۷]

شکی نبوده و نیست که آنچه از قلم اعلی صادر و جاری شده از اوامر و نواهی نفع آن به خود عباد راجع است. مثلاً از جمله حقوق الله نازل و اگر ناس به ادای آن موقف شوند البتة حقّ جلّ و عزّ برکت عنایت فرماید و هم آن مال نصیب خود آن شخص و ذریّه او شود. چنانچه مشاهده می نمایی اکثری از اموال ناس نصیب ایشان نشده و نمی شود و اغیار را حقّ بر آن مسلط می فرماید و یا وراثتی که اغیار برایشان ترجیح دارد. حکمة بالغة الهی فوق ذکر و بیانست انّ الناس یشهدون ثمّ ینکرون و یعرفون ثمّ یجهلون اگر به اوامر عمل می نمودند خیر دنیا و آخرت را تحصیل می کردند.

[۱۸]

امر حقوق منوط به اقبال خود نفوسست هر مقبلی اگر به کمال روح و ریحان به صرافت طبع خود اراده کند حقوق الهی را ادا نماید مقبولست و الا فلا انّ ربک غنی عن العالمین انظر ما انزله الرحمن فی الفرقان یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید.^۲

[۱۹]

مرقوم داشته بودید که عهد نموده اند به کمال قناعت گذران کنند و مابقی را به ساحت اقدس ارسال دارند. این فقره عرض شد فرمودند به اعتدال حرکت کنند بر خود سخت نگیرند انا نحبّ ان یکونا فی عیشة راضیه.

[۲۰]

از برای حقوق الهی قرار بست معین بعد از تحقّق بیت العدل علی ما اراده الله حکم آن ظاهر می شود.

[۲۱]

سبحانک یا ربّی الرحمن اسألك بأموالک بحریبانک و شئونات ربویّتک و ظهورات الوهیّتک و الأسرار الّتی کانت مکنونة فی علمک بأن تؤیّدنی علی خدمتک و خدمة اولیائک و توقّنی علی اداء حقوقک الّتی انزلته

فی کتابک ای ربّ انا الّذی اقبلت الی افقک الأعلى و تشبّثت بذیل عطائک یا مولی الوری و مالک ملکوت
 الأسماء اسألك ان لا تخیّنی عمّا عندک ولا تمنعنی عمّا کتبتہ لأصفیائک اسألك یا اله الأسماء و فاطر السّماء
 ایّدنی علی الاستقامه علی امرک علی شأن لا تحجّبنی زخارف الدّنیاء ولا تمنعنی ضوضاء الأشقیاء الّذین قاموا
 علی اضلال خلقک فی ایامک ثمّ قدّرت لی یا مقصودی خیر الآخرة و الأولى انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله
 الا انت الغفور الکریم.

منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء

[۲۲]

ای یاران عبدالبهاء محض الطاف بی پایان حضرت یزدان به تعیین حقوق الله بر عباد خویش منت گذاشت
 و الا حق و بندگانش مستغنی از کائنات بوده و الله غنی عن العالمین. اما مفروضی حقوق سبب ثبوت و رسوخ
 نفوس و برکت در جمیع شئون گردد.

(الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، پاکستان: محفل روحانی ملی بهائیان پاکستان، ۱۹۶۰
 میلادی، ص ۱۶)

[۲۳]

هیكل عالم از مصدر ایجاد چون صورت و هیئت آدم موجود شده و فی الحقیقه مرآت یکدیگرند چون به
 بصر بصیرت نگری یعنی هم چنانکه هیكل انسانی در عالم وجود ظاهراً مرکب از اعضا و جوارح مختلفه و در
 حقیقت هیئت جامعه و مربوط یکدیگر است به هم چنین جسم عالم حکمش حکم شخص واحد که اعضا و
 اجزایش مربوط یکدیگر است دارد. چنانچه اگر به دیده ئی که کاشف حقایقست ملاحظه شود مشهود گردد که
 اعظم روابط عالم ایجاد سلسله موجودات است و تعاون و تعاضد و تبادل از خواص ملازمه هیئت جامعه عالم
 وجود است زیرا جمیع وجود بهم مربوط است هر شیئی از اشیاء متأثر و مستفید از دیگری اگر رأساً نباشد بالواسطه
 محقق. مثلاً ملاحظه نماید که قسمی از موجودات نبات و سنخی حیوانات از این دو هر یک از جزئی از اجزاء
 موجوده در هوا استفاده می نماید که سبب حیات او است و هر یک سبب ازدیاد آن جزئیست که ماده حیات
 دیگریست یعنی به جهت نبات نشو و نمایی بدون حیوان ممکن نه و از برای حیوان حیاتی بدون معاونت نبات
 متصور نه و هم چنین کافه موجودات روابطش بر این منوال است این است که بیان شد که تعاون و تبادل از خواص
 هیئت جامعه عالم وجود است و بدون او وجود معدوم. و در مراتب وجود در قوس صعود آنچه به رتبه اعلی تر نگری
 شئون و آثار حقیقت تعاون و تعاضد را در رتبه مافوق اعظم از رتبه مادون مشاهده نمایی. مثلاً آثار باهره این شأن

قویم را در عالم نبات اعظم از عالم جماد و در رتبه حیوان اکبر از رتبه نبات ملاحظه کنی تا آنکه در عالم انسانی این امر عظیم را از جمیع جهات در منتهای اتقان مشهود بینی چه که در این رتبه تعاون و تعاضد و تبادل محصور در جسم و جسمانیات نبوده بلکه در جمیع مراتب و شئون ظاهری و معنوی از عقول و افکار و آرا و اطوار و آداب و آثار و ادراکات و احساسات و سایر احوال انسانی این روابط متینه را در منتهای محکمی ادراک نمایی و آنچه این روابط متانت و ازدیاد بیشتر یابد جمعیت بشریه در ترقی و سعادت قدم پیشتر نهد بلکه فلاح و نجات به جهت هیئت جامعه انسانی بدون این شئون عظیمه محالست. حال ملاحظه فرمایید که این امر خطیر مادامی که بین نفوسی که مظاهر حقایق کونیّه هستند به این درجه مهم است آیا فیما بین جواهر وجودی که در ظلّ سدره ربّانیّه و مظاهر فیوضات رحمانیه هستند چگونه باید تعاون و تعاضد به منتهای همت به روح و ریحان در جمیع مراتب وجود و شهود و حقایق و معانی و معاش و معاد ظاهر گردد شبههئی نیست که حتی جان را در راه یکدیگر باید فدا کنند. و اساس حقوق الله اینست چه که در سبیل این شئون صرف می شود و الا حقّ لم یزل مستغنی از مادون بوده و خواهد بود و هم چنان که کلّ اشیاء را از فضل و عنایات بی منتهایش بانصیب فرموده مقتدر بر آنست که احبّایش را از خزاین قدرت غنی فرماید و لکن نظر به این حکمت است که عندالله امر انفاق محبوب بوده. ملاحظه فرمایید که این امر عظیم چه قدر عندالله محبوب بوده که نسبتش فی الحقیقه الی الله گشته فاستبشروا یا اولی الانفاق. و از فضل و الطاف بی نهایت حضرت سلطان احدیّت امیدواریم که در این کور اعظم جمیع شئون رحمانیه در بین بندگان الهی به قسمی ظاهر شود که جمیع آفاق را رایحه طیبّه اش معطر نماید. این مطلب بسیار تفصیل دارد به اختصار گذرانندیم.

[۲۴]

ای یاران ربّانی من این یقین و مسلم است که حضرت بی چون در جمیع شئون به عنای مطلق موصوف و به رحمت واسعه مشهور و به فیض ابدی مألوف و به عطا بر عالم وجود معروف ولی نظر به حکمت بالغه و امتحانات فارقه تا آشنا از بیگانه امتیاز یابد حقوق بر عباد خویش واجب و مفروض فرمود نفوسی که اطاعت این امر مبرم نمودند به برکت آسمانی موفق و در دو جهان روی روشن و مشام از نسیم عنایت معطر کردند. از جمله حکمت های بالغه اینکه اعطای حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتایج عظیمه به ارواح و قلوب بخشد و در مواد خیریه مصروف گردد.

[۲۵]

اشکری الله بما و فکک علی اطاعة امره فی کتاب الأقدس حتی قمت بایفاء الحقوق و تقبل الله عنک هذا العمل المبرور ثم اعلمی بأنّ عباد الرحمن اغناهم الله من کثر ملکوته و لکن اعطاء الحقوق هذا امتحان من الله

لعباده و امائمه فكلّ صادق خالص يقدم الحقوق لأجل الصّرف على الفقراء و الضّعفاء و المساكين و الايتام و سائر المصارفات اللازمة في امر الله كما أنّ المسيح جعل صندوقاً لأجل الانفاق.

منتخباتی از تویعات صادره از طرف حضرت ولیّ امرالله

[۲۶]

نفوس خالصه مخلصه زکيه منقطعه که به صرافت طبع قسمتی از ممتلكات خویش را بعضی در ایام حیات و بعضی دیگر حسب الوصیه وقف امر الله نموده اند و به تأدیة حقوق الله موفق و مفتخر گشته اند اجرشان عندالله عظیم است. از قبل این عبد تقدیم کنندگان و بازماندگان آن متصاعدین الی الله را اطمینان دهند. این اقدامات و تبرّعات جالب تأیید الهی و برکت سماوی و فیض نامتناهی است و مروج مصالح متنوعه جامعه بین المللی بهائی. نعیماً لهم بما وفقهم الله علی امر ترتفع به مقاماتهم فی الدنیا و الآخرة. (مکتوب مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۴۵ خطاب به یکی از احبّاء، آرشیو مرکز جهانی بهائی)

منتخباتی از دست خط های صادره توسط ویا از طرف بیت العدل اعظم

[۲۷]

تقارن استثنایی توفیقاتی قریب الوقوع — انتشار کتاب مستطاب اقدس، پیشرفت ساختمان ابنیه کوه کرم، پایان نقشه شش ساله، و شروع سال مقدّس — بحر آمل و انتظارات عالم بهائی را به تموّج در می آورد، زمینه را برای مجهوداتی به مراتب عظیم تر از آنچه تاکنون انجام شده آماده می سازد و ما را به آغاز دوره ای جدید در تاریخ متذکّر می دارد. لذا شایسته است در این موقعیت مغتنم جمیع نفوسی که برایمان خود به مظهر ظهور اعظم الهی مقرّر و معترف اند با سرور و حبور حکم مقدّسی را اجابت نمایند که هر فرد را قادر می سازد تا حسّ خصوصی ایمان خود به خداوند را با عملی وجدانی و بسیار شخصی که مروج مصالح عمومی است و فرد را مستقیماً با مؤسسه مرکزی و مرجع امر الله مرتبط می سازد، و بالاتر از همه، عنایات و صف ناپذیر و الطاف لانهایه الهی را برای نفوس مطیعۀ مخلصه تضمین می نماید ابراز دارد. حال با اظهار خضوع و خشوع و عبودیت به ساحت قدس الهی، اعلام می داریم که از رضوان ۱۹۹۲ یعنی آغاز سال مقدّس، حکم حقوق الله شامل عموم خواهد شد. همه یاران الهی را با کمال محبت به اجرای این حکم دعوت می نماییم. (ترجمه)

(پیام رضوان ۱۹۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

[۲۸]

و اکنون در بحبوحه انتظارات مشتاقانه برگزاری این دو بزرگداشت^۳ عمده و انتشار قریب الوقوع ام‌الکتاب امر بهائی، حکم حقوق الله از جمله فرایض معمول و مستمر اعضای جامعه بهائی در سراسر عالم محسوب می‌شود. امید چنان است که برکات و مواهب موعوده الهیه وابسته به اجرای این حکم مقدس شامل حال عزیزان حضرت یزدان در جمیع بلاد گردد. (ترجمه)

(پیام رضوان ۱۹۹۲ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

[۲۹]

امید و طید بیت العدل اعظم آنست که روح این سال مقدس و تأثیرات اطاعت از حکم حقوق الله موجب بیداری و آگاهی احباً نسبت به خصیصه تقدس تبرعات امری و نقش اساسی آن در تحقق منظور ظهور حضرت بهاء الله گردد. (ترجمه)

(نامه مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۹۲ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملی)

[۳۰]

در این دور مبارک، مؤسسه حقوق الله از طریق ترویج طرز فکری بدیع و نگرشی جدید نسبت به کسب و استفاده از منابع مادی، به روحانیت عالم انسانی کمک خواهد کرد؛ منابع مادی مورد نیاز مشروعات عظیم جمعی به منظور بهبود جمیع شئون حیات بشری را فراهم خواهد آورد و در تکامل مدنیت جهانی عنصری نیرومند خواهد بود. (ترجمه)

(نامه مورخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۳ بیت العدل اعظم خطاب به وکلا و نمایندگان مؤسسه حقوق الله)

[۳۱]

و اما راجع به بیم شما نسبت به پول، کسب ثروت فی نفسه هدفی نگران کننده نیست بلکه ضرورتی است عملی. مشکلات مربوط به ثروت از طرز فکر نادرست نسبت به تملک و استفاده از آن سرچشمه می‌گیرد. در این خصوص، انشاء الله مطالعه فقرات ۸۰، ۸۱ و ۸۲ کلمات مبارکه مکتوبه فارسی را مفید بیابید. همانند بسیاری از دیگر شئون زندگی، تعالیم حضرت بهاء الله با وضع حکم حقوق الله و موهبت تقدیم تبرعات به صندوق‌های امری و

^۳ اشاره به مراسم صدمین سال صعود حضرت بهاء الله و جشن صدمین سال آغاز عهد و میثاق عظیم ایشان.

با تشویق به مجهودات انسان دوستانه برای رفاه عمومی، وسیله‌ای برای حفظ ما در مقابل امتحانات ناشی از ثروت فراهم می‌سازند. (ترجمه)
(نامه مورخ ۷ اکتبر ۲۰۰۵ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

۲. اجرای حکم حقوق الله

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله

[۳۲]

انّ الذین وفوا بعهودهم و عقودهم و نذورهم و ادّوا امانات الله و حقوقه انهم من اهل الفردوس الاعلی
کذلک یشرفهم المظلوم فی سجنه العظیم طوبی لعباد فازوا و لامآء فزن و لكلّ من تمسک بالمعروف و عمل ما امر
به فی کتاب الله ربّ العالمین.

[۳۳]

ادای حقوق الهی منوط به استطاعت است. اگر نفسی قادر بر او نباشد آنه یعفو عنه و هو الغفار الکریم.

[۳۴]

سؤال: از نصاب حقوق الله

جواب: نصاب حقوق الله ۱۹ مثقال از ذهب است یعنی بعد از بلوغ نقود به این مقدار حقوق تعلق می‌گیرد
و اما سایر اموال بعد از بلوغ آن به این مقام قیمه لا عدداً و حقوق الله یک مرتبه تعلق می‌گیرد مثلاً شخصی مالک
شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آن را ادا نمود بر آن مال دیگر حقّ الله تعلق نمی‌گیرد مگر بر آنچه به تجارات و
معاملات و غیرهما بر آن بیفزاید و به حدّ نصاب برسد یعنی منافع محصوله از آن در این صورت به ما حکم به الله
باید عمل شود الاّ اذا انتقل اصل المال الی ید اخرى اذاً یتعلق به الحقوق کما تعلق اول مرّة در آن وقت حقوق
الهی باید اخذ شود نقطه اولی می‌فرماید از بهاء کلّ شیء که مالکند باید حقوق الله را ادا نمایند و لکن در این ظهور
اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که ما یحتاج به است.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۸)

[۳۵]

سؤال: حقوق الله و دیون میّت و تجهیز اسباب کدام مقدم است

جواب: تجهیز مقدم است بعد ادای دیون بعد اخذ حقوق الله و اگر مال معادل دیون نباشد آنچه موجود است به مقتضای دیون قلیلاً و کثیراً قسمت شود.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۹)

[۳۶]

سؤال: در کتاب اقدس حقوق الله نازل آیا بیت مسکون و متروکات آن و مایحتاج جزو اموالی است که حقوق بر آن ثابت می شود یا نوع دیگر است.

جواب: در احکام فارسیّه می فرماید "در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که مایحتاج به است."

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۴۲)

[۳۷]

سؤال: اگر بالفرض اموال شخصی صد تومان باشد و حقوق را ادا نموده بعد در تجارت نقصان واقع شود و نصف این مبلغ تلف شود باز به تجارت به نصاب رسد حقوق باید داد یا نه.

جواب: در این صورت حقوق بر آن تعلق نمی گیرد.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۴۴)

[۳۸]

سؤال: اگر مبلغ معهود به کلی بعد از ادای حقوق تلف شود و دفعه دیگر از کسب و تجارت همین مبلغ حاصل شود حقوق ثانی باید داد یا نه.

جواب: در این صورت هم حقوق ثابت نه.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۴۵)

[۳۹]

سؤال: آیا شخص می تواند در کتاب وصیت از اموال خود چیزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خیریه صرف شود به غیر ادای حقوق الله و حقوق ناس یا آنکه جز مخارج دفن و کفن و حمل نعش حقی ندارد و مابقی اموال کما فرض الله به وراثت می رسد.

جواب: انسان در مال خود مختار است اگر بر ادای حقوق الهی موفق شود و هم چنین حق الناس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست قد اذن الله له بأن يفعل فیما ملکه الله کیف یشاء.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۶۹)

[۴۰]

سؤال: هرگاه شخص متوفی حقوق الله یا حق الناس بر ذمه او باشد از بیت مسکون و البسه مخصوصه و سایر اموال بالنسبه باید ادا شود یا آنکه بیت و البسه مخصوص ذکران است و دیون باید از سایر اموال داده شود و هرگاه سایر ترکه وفا نکند به دیون چگونه معمول شود.

جواب: دیون و حقوق از سایر اموال داده شود و اگر اموال وفا نکند از بیت مسکون و البسه مخصوصه ادا شود.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۸۰)

[۴۱]

سؤال: هرگاه مال از نوزده تجاوز نماید باید به نوزده دیگر برسد یا بر زیاده هم تعلق می گیرد.

جواب: هر چه بر نوزده بیفزاید حقوق تعلق نمی گیرد الا به نوزده دیگر برسد.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۹۰)

[۴۲]

سؤال: اسباب دکان که به جهت کسب و شغل لازم است باید حقوق الله از آنها داده شود یا آنکه حکم اسباب بیت را دارد.

جواب: حکم اثاث بیت بر آن جاری.

(کتاب مستطاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۹۵)

[۴۳]

و اما در باره حقوق الله نصاب آن عدد واحد است یعنی هر نفسی اگر دارای نوزده مثقال ذهب شد و یا اشیائی که به این قیمت برسد بعد از وضع مئونه سنه حقوق بر آن تعلق می گیرد و ادای آن واجب.

[۴۴]

حکم الله آنکه ملکی که انتفاع از آن مقطوعست یعنی نفعی از آن حاصل نمی شود حقوق الله بر آن تعلق نمی گیرد آنه لهو الحاکم الکریم.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء

[۴۵]

در خصوص حقوق سؤال نموده بودید. انسان در ظرف یک سال آنچه منفعت کند باید مصارف سالیانه خود را منها کند پس از آنچه که زیادی مانده در صد نوزده حقوق بدهد. یعنی شخصی در ظرف یک سال از تجارتش هزار لیره منفعت برده مصارف سالیانه خویش را که شش صد ۶۰۰ لیره باشد منها می کند چهارصد لیره زیادی دارد حقوق بر این چهارصد لیره تقرّر حاصل می شود یعنی باید از چهارصد لیره از هر صدی نوزده لیره که جمعش هفتاد و شش لیره می شود به جهت مصارف خیریه حقوق بدهد. بر جمیع اموال هر سال حقوق تعلق نیابد. شخصی شاید صد هزار لیره اموال دارد نمی شود هر سال از این صد هزار لیره حقوق بدهد. شما مثلاً باید آنچه در سال منفعت می نمایید خرج سالیانه خویش را منها کنید آنچه فضل می ماند حقوق بر آن تعلق می گیرد اما مالی که سال گذشته حقوقش داده شده است امسال دیگر حقوق بر آن تعلق نیابد.

[۴۶]

اما حقوق بعد از وضع مصارف سنه کامله آنچه زياده باقى بماند حقوق بر آن تعلق يابد ولكن نقود و مالى كه ممر معاش باشد و يك دفعه حقوق آن داده شده و يا ملكى كه حقوق آن داده شده اگر ربيع آن كفايت مصارف كند و بس ديگر حقوق بر آن تعلق نگيرد... تصرف در حقوق جزئى و كلّى جائزولى به اذن و اجازة مرجع امر.

[۴۷]

حقوق بر جميع مايملك تعلق مى گيرد ولكن اگر شخصى حقوق بر ملكى را ايفا نموده و واردات آن ملك به قدر احتياج اوست ديگر بر آن شخص حقوق ترتب نيابد. بر آلات و ادوات زراعت حتى حيوانات حرث به اندازهئى كه لزومست حقوق ترتب نكردد.

[۴۸]

اما كيفيت حقوق بعد از مصروف سال آنچه از واردات املاك و كسب و تجارت زياد ماند حقوق بر آن تعلق گيرد.

منتخباتى از بيانات حضرت عبدالبهاء

[۴۹]

سؤال: در امر حقوق، آيا يك نوزدهم درآمد خالص فرد مقصود است يا درآمد ناخالص او؟ فى المثل، در امريكا، بعد از كسر مواردى كه معاف شده، مالياتى بر عايدى ناخالص تعلق مى گيرد. احتساب حقوق چگونه است؟

جواب: مضمون بيان حضرت عبدالبهاء اين بود: بعد از آنكه شخص كلیه مخارج ضروريه را پرداخت نمود، نوزده درصد از آنچه باقى مانده را اخذ و به جهت حقوق تأديه مى نمايد. فى المثل، اگر نفسى بعد از اداى همه مخارج خود صد غروش برايش باقى مانده باشد، در اين صورت نوزده غروش حقوق آن است كه به امر الله تعلق مى گيرد. اين را در انتهای سنه، بعد از آنكه مخارج خود را تعيين كرد، انجام مى دهد. از هر صد غروش، نوزده غروش به جهت حقوق اخذ مى شود.

از این مبلغ فقط یک مرتبه حقوق پرداخت می‌شود و بعد از آن دیگر حقوق به آن مبلغ تعلق نمی‌گیرد. سال بعد، از مبلغی که بعد از کسر مخارج و نیز بعد از کسر مبلغی که سال گذشته حقوق آن تأدیه شده، در اختیار فرد باقی می‌ماند، حقوق محاسبه خواهد شد.

فی المثل، شخصی در آخر سنه، بعد از پرداخت کلیه مخارج خود، ۱,۰۰۰ غروش برایش باقی مانده، در این صورت ۱۹۰ غروش بابت حقوق اخذ می‌شود. در انتهای سنه بعد، پس از محاسبه مخارج، ممکن است ۲,۰۰۰ غروش برای او باقی بماند. چون سنه قبل حقوق ۱,۰۰۰ غروش را داده، این مبلغ از ۲,۰۰۰ غروش کسر می‌شود و از ۱,۰۰۰ غروش حقوق می‌پردازد (یعنی ۱۹۰ غروش). در سنه ثالث اموال خالص او ممکن است ۲,۵۰۰ غروش بشود، از این مبلغ ۲,۰۰۰ غروش کسر می‌کند و نوزده درصد ۵۰۰ غروش را که ۹۵ غروش می‌شود تأدیه می‌کند. اگر در آخر سنه رابع او ۲,۵۰۰ غروش داشته باشد، هیچ حقوقی به آن تعلق نمی‌گیرد.

سؤال: در خصوص کسر مخارج ضروری، آیا تبرعات به مشرق‌الاذکار و تبلیغ و سایر فعالیت‌های امری قسمتی از حقوق محسوب می‌گردد یا مجزا از آن است؟

جواب: حضرت عبدالبهاء جواب فرمودند که حقوق از این موارد جدا و مستقل است و باید ابتدا محاسبه گردد و بر آنها اولویت دارد. بعد از آنکه مقدار حقوق معلوم شد، می‌توان به سایر امور پرداخت. هیکل مبارک لبخند زدند و فرمودند پس از ادای حقوق عبدالبهاء تعیین می‌کند که چه مبلغی به مشرق‌الاذکار اختصاص یابد، چه مبلغی به تبلیغ تخصیص داده شود و چه مبلغی به محتاجان پرداخت گردد و غیره. (ترجمه)

(مصاحبه با حضرت عبدالبهاء، ۲۶ نوامبر ۱۹۱۹، یادداشت به خط حضرت ولی‌امرالله حدود سال ۱۹۲۰. سؤالات در مکتوب جورج او. کتیمر، بدون تاریخ)

منتخباتی از توقیعات صادره توسط و یا از طرف حضرت ولی‌امرالله

[۵۰]

اما در خصوص حقوق الله... تعلق آن به مال التجاره و ملک و عایدات است که بعد از مخارج لازمه آنچه فایده حاصل شود و بر مایه افزوده گردد باید حقوق آن داده شود و چون یک مرتبه حقوق ادا شد دیگر بر آن تعلق نمی‌گیرد مگر آنکه آن مال از شخصی به شخص دیگر رسد... و اما بیت و اسباب بیت حقوق تعلق نمی‌گیرد... اما در خصوص حقوق الله حقوق الهی راجع به مرکز امر است.

(نامه مورخ شوال ۱۳۴۵ ه. ق. از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احباب)

[۵۱]

در کتاب مستطاب اقدس بیاناتی راجع به امر حقوق خواهید یافت... کَلِيَّةُ مَسَائِلِي كِه حَضْرَت بَهَاءِ اللهُ صَرِيحاً تَعْيِينَ نَفْرَمُودِه اَنْد بَايْد بَه بَيْتِ الْعَدْلِ اعْظَم اَرْجَاعِ كَرْدِد. (ترجمه)
(جملاتی به قلم حضرت ولیّ امرالله که در آخر نامه مورّخ ۱۶ دسامبر ۱۹۲۷ از طرف حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّاء مرقوم شده است)

[۵۲]

یک مثقال نوزده نخود است و بیست و چهار نخود مساوی چهار گرام و سه خمس گرام است بر حسب این میزان حساب نمایند.
(نامه مورّخ ۱۷ نوامبر ۱۹۳۷ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّاء، آرشیو مرکز جهانی بهائی)

[۵۳]

سؤال در باب انتقال خانه مسکونی و البسه مخصوصه و اثاث البیت از طریق ارث به ورثه که آیا وراثت هم از تأدیة حقوق آنها معافند یا خیر فرمودند "خانه مسکونی و اثاث البیت و اسباب کار چون به نصّ قاطع از حقوق الله معاف گشته در حین انتقال نیز از تأدیة حقوق معاف است."
(نامه مورّخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۲ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به محفل ملّی بهائیان ایران، آرشیو مرکز جهانی بهائی)

منتخباتی از دست خط‌های صادره توسط ویا از طرف بیت العدل اعظم

[۵۴]

بعضی از یاران عزیز که به تقدیم حقوق الله موفقند از این هیئت پرسیده‌اند که اهدای تبرّعات به صندوق‌های امریه با ادای حقوق الله چه رابطه و نسبتی دارد و اگر کسی به نیت ادای حقوق الله به تبرّعات خیریه جهت مشروعات سایره پردازد آیا از تقدیم حقوق الله معافست یا آنکه حکم دیگری دارد؟

با آنکه نصوص الهیه در این مورد صراحت دارد ولیکن چون این سؤال مکرر شده مقرر گردید که توضیحاً جهت اطلاع یاران مهربان مرقوم شود که ادای حقوق الله از فرایض دینیّه اهل بهاست چه که حکمش در کتاب مستطاب اقدس منصوص است و بیانش در الواح شتی معین و مذکور هیچ مؤمن مخلصی که واجد شرایط معینه باشد از ادای حقوق الله مستثنی نیست حتی به نص کتاب امتناع از ادای حقوق الله به منزله خیانت محسوب و خطاب "من خان الله یخان بالعدل" در حق این نفوس مکتوب.

به فرموده مرکز میثاق: "محض الطاف بی پایان حضرت یزدان به تعیین حقوق الله بر عباد خویش منت گذاشت و الا حق و بندگانش مستغنی از کائنات بوده."

این حکم محکم به شهادت قلم اعلی دارای مصالح و حکم لاتحصی است سبب تطهیر اموال است و دافع خسران و وبال. باعث نعمت و عزت است و علت خیر و برکت. انفاقی است که نسبتش الی الله است و خدمتی است که ممد ارتفاع امر الله. اعطای حقوق به فرموده مرکز میثاق برای امتحان مؤمنان است و سبب ثبوت و رسوخ ایشان در ایمان و ایقان.

مختصر آنکه حقوق الله از تکالیف قاطعه شرعیّه اهل بهاست که طبق نصوص مبارکه به مرجع امر راجع و قرارش به فرموده جمال قدم جلّ ثناءه بعد از تحقق بیت العدل علی ما اراده الله تعیین گردد و احدی جز مرجع امر حق تصرف در آن ندارد یعنی آنچه از اموال نفوس به حقوق الله راجع و مخصوص است تعلق به مرکز امر الله دارد نه به آن نفوس لهذا یاران به تشخیص و اراده خود نباید وجوه حقوق الله را به مصارف دیگر رسانند ولو آنکه مصارف خیریّه امریه باشد زیرا به نص صریح تبرعات و اعانات سایره باید بعد از تقدیم حقوق الله یعنی از اموال باقیّه طاهره که متعلق به خود اشخاص است تقدیم گردد. امیدوار چنانیم کل بر این وظیفه مبارکه مقدسه که کافل سعادت حقیقیّه و مؤید اجرائات عمومیّه اهل بهاست موقف و فائز گردند و الله غنی عن العالمین.

(نامه مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۷۰ بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی ایران)

[۵۵]

مکتوب محبت آمیز مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۲ شما حاکی از آرزوی اجرای حکم حقوق الله در رابطه با ارثیه ای که از مادرتان به شما رسیده این مشتاقان را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد....

این حکم کتاب مستطاب اقدس مقرر می دارد که وقتی سرمایه یک شخص به معادل حدّ اقلّ "نوزده مثقال طلا" برسد، نوزده درصد آن به عنوان حقوق الله قابل پرداخت است.... برای تعیین مبلغی که فرد مؤمن باید بپردازد او باید ابتدا دیون و مخارجی را که دارد کسر کند و سپس از باقی مانده سرمایه، در صورتی که معادل حدّ اقلّ نوزده مثقال طلا باشد، نوزده درصد آن را پرداخت نماید.

... برای اجرای این حکم کتاب اقدس ... باید ارزش کلّ ارثیه را از نقدینه و سایر اموال محاسبه کنید و همهٔ مخارج و دیونی را که دارید کسر نمایید و شرایطی را در نظر بگیرید که تحت آن احیاناً قادر خواهید بود حقوق الله ارزش خالص ارثیهٔ دریافتی خود را پرداخت نمایید. تعیین زمان و شرایط پرداخت به هر فرد واگذار شده است.

فی المثل اگر دارایی یک فرد علاوه بر وجه نقد شامل ملک یا سهام باشد، او ممکن است پرداخت نوزده درصد ارزش ارقام غیر نقدی را مادام که فروش نرفته است نامطلوب و یا نامناسب بداند و ترجیح دهد که تنها بعد از فروش آن اموال به ایفای این مسئولیت روحانی اقدام نماید. قبل از محاسبهٔ ارزش خالصی که حقوق الله بدان تعلق می‌گیرد هرگونه مخارجی که احتمالاً در تبدیل دارایی‌ها به وجه نقد متحمل شود باید کسر گردد. (ترجمه) (نامهٔ مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۷۳ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

[۵۶]

شخص مؤمن مخلص که به موهبت پرداخت حقوق الله فائز است، ابدأً در طلب عذر و بهانه‌ای برای اجتناب از ادای این وظیفهٔ روحانی نخواهد بود بلکه نهایت کوشش را برای اجرای آن مبذول خواهد داشت. از طرف دیگر، چون اطاعت از این حکم مسئله‌ای وجدانی و پرداخت حقوق الله امری اختیاری و داوطلبانه است، شایسته نخواهد بود که از حدّ مطلع ساختن احبّای ... از وظیفهٔ روحانی خود فراتر رفت و باید به خود ایشان واگذار کرد تا در مورد آن تصمیم بگیرند.

همین اصل در مورد آن دسته از احبّایی که در مصارف خانوادهٔ خود ره افراط می‌پیمایند و کسانی که در خرید یا بنای محلّ اقامت و وسایل و تزیینات آن از نیاز خود بسی فراتر رفته به منظور اجتناب از پرداخت حقوق الله این مخارج را ضروری توجیه می‌کنند، نیز صادق است. (ترجمه) (نامهٔ مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۳ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

[۵۷]

... حضرت بهاء الله بسیاری از جزئیات مربوط به محاسبهٔ حقوق الله را به قضاوت و وجدان افراد احبّاً واگذار فرموده‌اند. مثلاً اسباب و لوازم مورد نیاز منزل را از حقوق الله معاف فرموده‌اند اما اتخاذ تصمیم را در بارهٔ اینکه کدام ارقام ضروری و کدام غیر ضروری است به عهدهٔ افراد گذاشته‌اند. تبرّعات تقدیمی به صندوق‌های امری نمی‌تواند جزئی از پرداخت حقوق الله محسوب گردد؛ به علاوه اگر کسی حقوق الله مدیون باشد و از عهدهٔ پرداخت آن و تقدیم تبرّعات هر دو بر نیاید تأدیة حقوق الله بر تقدیم تبرّعات اولویت دارد. اما اینکه در محاسبهٔ مایملک

مشمول حقوق الله آیا می توان تبرعات را به عنوان مخارج به حساب آورد یا نه، این امر به قضاوت هر فرد با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خویش محول گردیده است. (ترجمه)
(نامه مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

[۵۸]

از آثار مبارکه واضح است که فرد از پرداخت حقوق الله برای بیت مسکونی و برای اسباب مورد لزوم خانه و وسایل مورد نیاز شغل و حرفه خود معاف می باشد. تصمیم درباره اینکه چه اقلامی ضروری و چه اقلامی غیر ضروری است به نظر فرد واگذار شده است. بدیهی است که دوستان نباید برای بیت مسکونی و اثاث آن اسراف نمایند و به منظور اجتناب از پرداخت حقوق الله آن را معقول جلوه دهند. نصّ خاصی مبنی بر اینکه سرمایه مورد استفاده برای کسب درآمد از پرداخت حقوق الله معاف می باشد یافت نشده است. بیت العدل اعظم این گونه امور را به وجدان افراد احبّاً واگذار می نمایند. (ترجمه)
(نامه مورخ ۹ آوریل ۱۹۸۰ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

[۵۹]

اما راجع به سؤال ثانی که چون تفاهم کامل بین زن و شوهر موجود باشد و زن حقّ دخل و تصرف در اموال شوهر داشته باشد آیا زوجه می تواند برای تمام اموال حقوق الله منظور دارد یا آنکه چون قسمتی از این اموال تعلق به شوهر دارد محاسبه حقوق الله از طرف زن باید نسبت به قسمتی از دارایی باشد که متعلق به شخص اوست.
در جواب این سؤال، باید متوجه بود که حقوق الله بر آنچه دارایی مسلم شخصی است تعلق می گیرد نه بر اموالی که صرفاً در آن حقّ تصرف دارند. ولیکن در مواردی نظیر آنچه مرقوم داشته بودند زوج و زوجه باید بین خود مشورت نمایند و حدود اموال خویش را معین کنند و معاً یا بالانفراد آنچه را واجب تشخیص دادند تقدیم نمایند.
(نامه مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۸۲ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

[۶۰]

راجع به سؤالی که جناب ... مطرح نموده اند، لطفاً به اطلاع ایشان برسانید که در مکتوبی خطاب به یکی از احبّاً حضرت ولیّ محبوب امر الله توضیح فرموده اند که حقوق الله برای یک مایملک بخصوص، چه منقول و چه غیر منقول، فقط یک بار پرداخت می شود، اما اگر این مایملک به نوعی مثلاً از طریق ارث از شخصی به شخص دیگر منتقل شود مجدداً مشمول پرداخت حقوق الله می گردد. عملاً این بدان معنی است که وارثی که اموالی را به

ارث می برد، چنانچه سهم دریافتی موجب ازدیاد دارایی او به حد نصابی گردد که مشمول ادای این فریضه مقدّس است، موظّف به پرداخت حقوق الله می باشد. (ترجمه)

(نامه مورّخ ۱ ژوئن ۱۹۸۳ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملی)

[۶۱]

در باره سؤال مربوط به بیت مسکونی و احکام جزئیّه آن، خاطر آن جناب را مستحضر می داریم که تشریح احکام مفصّله در باره حقوق الله در این ایام مقتضی نیست لهذا یاران را باید آزاد گذاشت که چون راجع به مسئله ای نصّی یا دستوری موجود نباشد آنچه را که خود در هر مورد استنباط می نمایند مجری دارند و به سائمه وجدان به ادای حقوق الله طبق تشخیص خویش مباشرت فرمایند.

(نامه مورّخ ۴ مارس ۱۹۸۴ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[۶۲]

... اگر فردی از یاران مبلغ حقوق الله قابل پرداخت خود را محاسبه نموده و خود را مدیون می داند باید پرداخت این مبلغ را به هر نوع تبرّع دیگر مرجّح بداند.

ولیکن امکان دارد که شخص در طیّ سال تبرّعاتی به صندوق های مختلف امری اهدا نماید و یا مبالغی در راه امور خیریه پردازد همان گونه که وجوه خود را صرف طیف وسیعی از فعالیت های مربوط به زندگی روزمره خود می کند. بیان فوق از بیت العدل اعظم اتّخاذ یکی از دو طریق ذیل را به قضاوت او محوّل می نماید:

(الف) این قبیل تبرّعات را جزء هزینه زندگی منظور دارد. بدین ترتیب این تبرّعات میزان پس انداز وی در آخر سال را که حقوق الله بدان تعلق می گیرد کاهش خواهد داد.

(ب) قرار بگذارد که این قبیل تبرّعات را فقط از پولی پردازد که حقوق الله آن ادا شده است.

این قرار هم چنین راه را باز می گذارد تا شخص برخی از تبرّعات را به طریق اول و برخی دیگر را به طریق دوم منظور دارد. بیت العدل اعظم کلیّه این گونه جزئیّات را به قضاوت و وجدان افراد احبّاء و آگذار می نمایند. (ترجمه)

(نامه مورّخ ۳ فوریه ۱۹۸۷ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[۶۳]

اگر همان طور که اظهار می‌دارید در موقعیتی نیستید که هرگز بتوانید دارایی قابل ارزیابی معادل ۱۹ مثقال طلا داشته باشید بنا بر این طبق نصوص مبارکه مکلف به پرداخت حقوق الله نیستید. ولی مکلف نبودن بدان معنی نیست که اگر به خاطر حبّ جمال مبارک و سخاوت طبع خود مایلید مبلغی به صندوق حقوق الله تبرّع کنید، مجاز نیستید. (ترجمه)

(نامه مورّخ ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[۶۴]

۱. یک فرد بهائی نمی‌تواند فریضه پرداخت حقوق الله فرد دیگری را ایفا نماید.
 ۲. فرد بهائی مجاز نیست که مبلغ پرداختی به عنوان حقوق الله را برای هدف مخصوصی مشخص سازد و یا آن را به افتخار فردی دیگر پرداخت نماید. (ترجمه)
- (از یادداشت مورّخ ۲۲ مارس ۱۹۸۹ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از دوایر مرکز جهانی بهائی)

[۶۵]

حقوق الله اصولاً باید توسط فرد بهائی در ایّام حیات او و زمانی پرداخت گردد که مازاد مایملک‌اش به حدّ نصاب رسیده است. ولی با ذکر سالیانه بودن مخارجی که باید به منظور محاسبه دین حقوق الله از درآمد کسر شود نوعی آزادی عمل در این حکم ملحوظ گردیده است. مطلوب آنست که بعد از صعود فرد بهائی تنها دین او به حقوق الله که باید در وصیّت‌نامه‌اش تمهیداتی برای پرداخت آنها فراهم نموده باشد، بدهی‌هایی باشد که در موقع رسیدگی به امور او در زمان فوتش مشخص گردد.

امید بیت العدل اعظم آنست که احبّاء با آشنا شدن با حکم حقوق الله و با پرداخت آن، نه تنها نحوه محاسبه حقوق الله در ایّام حیات را بیاموزند بلکه بدین وسیله درک بهتری از نحوه فراهم نمودن ترتیباتی برای پرداخت باقی‌مانده آن بعد از صعود خود نیز کسب نمایند. (ترجمه)

(نامه مورّخ ۱ اکتبر ۱۹۸۹ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به هیئتی از امنای حقوق الله)

[۶۶]

بیت العدل اعظم در نظر ندارند روش محاسبه مخصوصی را برای استفاده دوستان تعیین نمایند. احباً باید آزاد باشند تا بر اساس نصوص مبارکه و نمونه‌های موجود، هر یک روش خود را اختیار نمایند. (ترجمه)

(نامه مورخ ۱ ژوئیه ۱۹۹۱ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به دفتر امین صندوق یکی از محافل ملیّه)

[۶۷]

مکتوب مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۱ آن جناب حاوی سؤالی در باره محاسبه اموالی که شما باید حقوق الله آن را پرداخت نمایید، به بیت العدل اعظم واصل گردید. خلاصه اطلاعاتی که ارائه نموده‌اید به شرح زیر است.

شما فقرات متعددی از اشیاء موروثی که بعضی احتمالاً بسیار پرازش اند در تملک خود دارید و شما آنها را "موزه خانوادگی" می‌نامید. از این مجموعه جز در موارد معدودی که آن را برای جمع‌آوری وجوهی جهت امور خیریه به نمایش گذاشته‌اید درآمدی عاید نمی‌شود. مایلید بدانید که آیا شما باید این مجموعه را ارزیابی بنمایید تا بتوانید به منظور محاسبه حقوق الله، آن را جزو مایملک خود محسوب دارید.

بیت العدل اعظم مقرر فرمودند به اطلاع شما برسانیم که ضرورتی ندارد که این چنین مایملکی با فوریت در محاسبات وارد شود. اگر این مجموعه بتمامه یا بخشی از آن به فروش رسد، آنگاه عایدات حاصله مشمول حقوق الله می‌گردد. (ترجمه)

(نامه مورخ ۹ فوریه ۱۹۹۲ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباً)

[۶۸]

ادای حقوق الله فریضه شخصی هر یک از احبای الهی است و بر عهده فرد است که بنا به حکم وجدان خویش این وظیفه را ایفا نماید و هیچ یک از مؤسّسات امری حقّ مطالبه آن را ندارند. بخشی از این فریضه آن است که فرد بهائی در وصیت‌نامه خود تعیین کند که در خاتمه حیات باقی‌مانده دین حقوق الله او ادا شود. به همین ترتیب احکام بهائی برای مواردی که شخص بدون وصیت‌نامه فوت نماید، شامل مقرراتی است که قبل از تقسیم دارایی بین ورثه، تتمه حقوق الله پرداخت شود.

حکم ارث در کتاب مستطاب اقدس برای مواردی که متوفی وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشته باشد، به صراحت می‌گوید:

کلّ ذلک بعد اداء حقّ الله ...

هم چنین حضرت بهاء الله در خصوص تنظیم وصیت نامه می فرماید:

انسان در مال خود مختار است. اگر بر ادای حقوق الهی موفق شود و هم چنین حق الناس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست. قد اذن الله له بان يفعل فيما ملّكه الله كيف يشاء.

این بیان روشن می نماید که مسئولیت موصی برای ادای قرض ها و برای پرداخت حقوق الله بر آزادی او در تعیین تکلیف اموال خود به نحو دل خواهش اولویت دارد. (ترجمه)
(از یادداشت مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۹۲ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از دوایر مرکز جهانی بهائی)

[۶۹]

سؤال اینست که آیا اموالی که شخص ملزم است حقوق الله خود را بر اساس آن محاسبه نماید تمام دارایی او در تاریخی است که حکم حقوق الله شامل حال او می شود یا فقط ثروتی است که بعد از آن تاریخ موفق به کسب آن می گردد؟

نظر نهایی این جمع آن است که اساس محاسبه حقوق الله کلیه دارایی شخص در تاریخی است که حکم حقوق الله شامل حال او می شود. البته این بدان معنا نیست که شخص باید فوراً تمام حقوقی را که مدیون است یک جا پرداخت نماید زیرا چنین عملی ممکن است او را مجبور به فروش اقلام متعددی از مایملک خویش نماید و او را در وضع بسیار مشکلی قرار دهد. اما اصل محاسبه روشن است و دین حقوق الله باید بالمآل پرداخت گردد. (ترجمه)

(از نامه مورخ ۴ مه ۱۹۹۲ بیت العدل اعظم خطاب به امین حقوق الله، ایادی عزیز امر الله جناب علی محمد ورقا)

[۷۰]

شما در مورد شمول حقوق الله بر پولی سؤال کرده اید که فردی از احباب برای "سفر به خاطر امر الله و برای داشتن یک زندگی کمی مرفه تر" و امثال آن صرف می کند. برداشت ما از جواب هایی که به سؤالات دیگر داده شده این است که این موضوع به وجدان فرد بستگی دارد. در حقیقت طیف وسیعی از مخارج وجود دارد که شاید بتوان آن را در زمره مخارج عادی سالانه که باید برای محاسبه مبلغ حقوق الله از درآمد کاسته شود محسوب داشت. در مورد خاص تبرعات به صندوق های مختلف امری، بیت العدل اعظم قبلاً فرموده اند که فرد باید تصمیم بگیرد که

یا تبرّعات را قسمتی از مخارج عادی خود منظور دارد یا اینکه آنها را از ذخیره باقی مانده خویش پس از پرداخت حقوق الله تقدیم کند. (ترجمه)
(یادداشت مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۹۳ بیت العدل اعظم خطاب به دفتر حقوق الله در ارض اقدس)

[۷۱]

دفتر حقوق الله در ارض اقدس سؤالات شما مربوط به حقوق الله را که ضمیمه مکتوب ۲۱ آوریل ۱۹۹۳ بود به بیت العدل اعظم تقدیم نمود. مقرر فرمودند پاسخ‌های زیر ارسال گردد:

۱. در رابطه با محاسبه و پرداخت حقوق الله مسلماً تفاوت‌هایی بین بدهی‌های مختلف یک فرد وجود دارد. برای محاسبه حقوق الله، بدهی‌ها طبیعتاً باید از دارایی کاسته شود. در مورد اولویت پرداخت، فرد باید شرایط هر وام را در نظر بگیرد. اگر برای پرداخت بدهی‌ها جدول زمانی تعیین شده، و شخص قادر خواهد بود که آنها را از درآمد پیش‌بینی شده به موقع بپردازد البته فرد باید در این مدت به پرداخت حقوق الله خود نیز اقدام نماید. اما اگر از عهده پرداخت هر دو برنیاید ادای بدهی اولویت خواهد داشت.
۲. اولویت نسبی ادای حقوق الله بر تقدیم تبرّعات به صندوق‌های امری در بخش ۱۰۵^۰ مجموعه آثار راجع به حقوق الله توضیح داده شده است. بیت العدل اعظم مایل نیستند در حال حاضر توضیحاتی بیش از این بیان نمایند.
۳. هر زن و شوهر از این آزادی برخوردارند که تصمیم بگیرند آیا مشترکاً یا جداگانه به ایفای فریضه حقوق الله خود اقدام نمایند زیرا بیت العدل اعظم مایل نیستند در حق تصمیم‌گیری زن و شوهر در مورد نحوه مدیریت امور مالی‌شان مداخله نمایند. زوجی ممکن است ترجیح دهند مالکیت مشترک داشته باشند و زوج دیگری ممکن است مایل به مالکیت اموال خود به طور مجزا باشند و یا ممکن است ترکیبات متنوعی از این نوع ترتیبات وجود داشته باشد. (ترجمه)
(نامه مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۳ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاب)

^۰ در این مجموعه، در بخش ۵۷ توضیح داده شده است.

[۷۲]

دفتر حقوق الله دو مکتوب مورخ ۲۴ و ۲۵ مه ۱۹۹۳ شما و جزوه ارسالی را دریافت نمود. دو سؤالی که مطرح نموده بودید به ساحت بیت العدل اعظم تقدیم گردید. مقرر فرمودند پاسخ زیر ارسال گردد.

۱. وجوهی که به منظور خرید بیت مسکونی پس انداز می شود به خودی خود از پرداخت حقوق الله معاف نیست. مثلاً اگر پیش از خرید بیت مسکونی شخص فوت نماید مبلغ پس انداز شده مشمول محاسبه حقوق خواهد بود. ولی... فردی که به منظور خرید خانه پس انداز می نماید مختار است که یا حقوق الله وجوهی را که به تدریج پس انداز می کند بپردازد و پس از خرید مسکن، مبلغ مشمول معافیت را محاسبه کند، و یا اینکه درج این پس اندازها در محاسبات حقوق الله را تا زمانی که خانه مسکونی خریداری شود به تعویق اندازد که البته در آن زمان قیمت خرید خانه از پرداخت حقوق الله معاف خواهد بود.

۲. ... محاسبه حقوق الله عملاً باید بر مبنای پس اندازی که طی سال ها انباشته می شود صورت گیرد نه فقط پس انداز هر سال به طور جداگانه. تنها از این طریق است که شخص می تواند ضرر و زیان یک سال را که سبب کاهش دین حقوق او در سال بعد می شود محاسبه کند یا سود و زیان حاصله از فروش آنچه که به منظور سرمایه گذاری در سال های قبل خریداری شده محاسبه نماید. (ترجمه)
(نامه مورخ ۸ اکتبر ۱۹۹۳ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباب)

[۷۳]

سؤال ... شما معطوف به تمهیدات لازم برای حقوق الله در وصیت نامه های بهائی است. استنباط شما مبنی بر اینکه فریضه ادای حقوق الله مربوط به زمان حیات شخص است و به طور معمول باید با پرداخت آن در طول عمر ایفا گردد صحیح است. در عین حال ممکن است در مواردی فردی از احباب بدون تعیین تمهیداتی در وصیت نامه اش برای تأدیه مبلغی از حقوق الله که احتمالاً پرداخت نشده، فوت نماید. وقوع مرگ فریضه حقوق الله را از فرد مؤمن سلب نمی کند. لهذا هر مبلغی که باید تأدیه شود جزو دین شخص متصاعد و مشمول پرداخت از مایملک او در زمان وفاتش می باشد. هزینه کفن و دفن، بدهی های متوفی، و هر مقدار حقوق الله که به وی تعلق می گیرد باید با اولویت از دارایی او پرداخت شود قبل از آنکه میزان اموال قابل تقسیم طبق مفاد احکام ارث تعیین گردد. به این ترتیب، اعم از آنکه شخصی وصیت نامه تنظیم کند یا نه، و اگر تنظیم کرده اعم از آنکه پرداخت حقوق الله را در آن تصریح کرده باشد یا خیر، حقوق الله باید مانند سایر دیون، قبل از تقسیم بقیه اموال، تأدیه گردد.

با توجه به نکات فوق، مسلماً شایسته است که هر فرد بهائی قبل از فوت ترتیبات لازم را برای ادای حقوق الله فراهم آورد تا از بروز مشکلات و یا سوء تفاهم های احتمالی جلوگیری شود. باید توجه داشت که مسئله

استفاده از واژه‌ها قانونی در وصیت‌نامه در مورد پرداخت حقوق الله بعد از فوت فرد بهائی به عوامل متعددی بستگی دارد و مرجح است که با مشورت وکیل صورت گیرد تا عباراتی صحیح و منطبق با قوانین وراثت به کار رود. بدیهی است که اگر فرد مؤمن شرح واضحی از اموال خود و حقوق الله پرداخت شده تا آن زمان را به جای نگذارد، هیچ کس نخواهد توانست مابقی حقوق الله در زمان فوت متوفی را به طور دقیق محاسبه نماید. اگرچه اجرای اصول مربوط به ادای حقوق الله احتمالاً نیاز به وضع احکام تکمیلی در آینده توسط بیت العدل اعظم خواهد داشت، در حال حاضر بر عهده وصی یا مدیر تصفیة اموال شخص متوفی است که با در نظر گرفتن اطلاعات موجود، حتی المقدور این اصول را به بهترین نحوی که صلاح می‌داند به مورد اجرا گذارد. و نکته آخر آنکه اگرچه مسئولیت ادای حقوق الله بر عهده خود شخص است، با این حال می‌توان فرد بهائی را به نزدیک‌ترین امین حقوق الله معرفی کرد تا در صورت لزوم بتواند با در نظر گرفتن شرایط خاص او را راهنمایی نماید. (ترجمه) (نامه مورخ ۱ ژوئیه ۱۹۹۶ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباب)

[۷۴]

در احکام بهائی، هر فرد مؤمن اعم از مرد یا زن مسئول تأدیه حقوق الله اموالی است که به او تعلق دارد و یا آن را کسب می‌کند؛ این حکم بر فرض حق مالکیت فردی استوار است. اما، در مورد زن و شوهر، بیت العدل اعظم خاطر نشان می‌فرماید که هر زوج در صورت تمایل می‌تواند حقوق الله خود را مشترکاً ادا نمایند و هیچ ممنوعیتی برای مالکیت مشترک چه برای یک زوج و چه برای دو یا چند شریک شغلی وجود ندارد. هر فرد مکلف به تنظیم وصیت‌نامه است. در فقره ۷۸ رساله سؤال و جواب می‌خوانیم که در صورت فقدان وصیت‌نامه، به غیر از البسه مستعمل آنچه مایملک شوهر است، اعم از جواهرات و غیره، متعلق به شوهر است "مگر آنچه به اثبات معلوم شود به زوجه بخشیده شده". هم‌چنین در مکتوبی که به لسان فارسی از طرف حضرت ولی‌امرالله مرقوم شده این عبارت مشاهده می‌گردد: "ذکر اثاثیه و مایملک را نموده بودید که بعد از انقضای مدت اصطبار حکمش چگونه است... فرمودند بنویس آنچه متعلق به زوجه است و ملک شخصی اوست احدی حق تصرف در آن ندارد."

لذا، واضح است که دارایی زن و شوهر مجزاً تلقی می‌گردد مگر وقتی که یکی از آنان هدیه‌ای به دیگری اهدا نماید یا هر دو توافق کنند که همه یا قسمتی از دارایی را مشترکاً مالک باشند. به عبارت دیگر، تصمیم در باره نحوه تملک دارایی به عهده آنان است. ارثیه یا هدیه‌ای که همسری دریافت می‌کند متعلق به خود او است مگر اینکه او تصمیم دیگری بگیرد.

هم چنین امکان دارد که زن و شوهر در وقت ازدواج و یا بعد از آن، در بارهٔ تسهیم و تقسیم اموال شان قراری بگذارند در این صورت مالکیت اموال بر آنچه در صورت طلاق یا فوت یکی از طرفین بر آن وارد می شود اثرگذار است.

اینست توضیحی مختصر از وضع موجود. بدون تردید در سال های آتی از بیت العدل اعظم سؤال خواهد شد تا در مورد جزئیات مسائل خاصی که پیش می آید تصمیماتی اتخاذ نمایند. این نکته را نیز باید به خاطر داشت که در حال حاضر اجرای قوانین بهائی در این قبیل امور منوط به تمهیدات قوانین مدنی ای است که رعایت آنها اولویت دارد. (ترجمه)

(نامهٔ مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۸ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[۷۵]

در جواب اینکه آیا می توان از بهائینی که از حق رأی خود محروم شده اند حقوق الله دریافت کرد یا خیر، بیت العدل اعظم الهی فرموده اند:

تصمیم این جمع بعد از در نظر گرفتن آنچه حضرت ولیّ محبوب امر الله در گذشته معمول داشته اند آنست که دریافت حقوق الله از این قبیل احبّاء قابل قبول نیست ... به هر یک از احبّاء که از حقوق اداری خود محروم شده و اظهار علاقه به پرداخت حقوق الله می کند باید صرفاً گفته شود که چنین پرداختی قابل قبول نیست. اگر او وجهی پرداخت نماید باید به او بازگردانده شود. (ترجمه)

(نامهٔ مورخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[۷۶]

بیت العدل اعظم پیام الکترونیکی مورخ ۳۱ ژانویه ۲۰۰۲ شما حاوی این سؤال را دریافت نموده اند که آیا شرکتی که فقط به یک بهائی تعلق دارد می تواند به صندوق های بهائی تبرّعاتی تقدیم نماید و حقوق الله بپردازد.

فریضهٔ ادای حقوق الله بر عهدهٔ افراد احبّاء است نه شرکت ها حتی اگر صاحبان یک شرکت همگی بهائی باشند. از طرف دیگر اگر صاحبان شرکتی که تماماً متعلق به بهائیان است مایل باشند که شرکت شان مبلغی را به صندوق حقوق الله تقدیم نماید، قبول چنین تبرّعی بلامانع است ولی این تبرّع البتّه وظیفهٔ افراد احبّاء را نسبت به پرداخت حقوق الله خود کاهش نمی دهد.

در خصوص تقدیم تبرّعات به صندوق‌های بهائی از طرف شرکتی که منحصرأً به بهائیان تعلق دارد، این امر کاملاً مجاز است. (ترجمه)

(نامه مورّخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۲ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّیه)

[۷۷]

یادداشت شما پرسش یکی از احبّاً را مطرح می‌نماید مبنی بر اینکه فردی بیت مسکونی اش را می‌فروشد تا به خانه سال‌مندان یا آسایش‌گاه مشابهی منتقل شود. سؤال این است که آیا مابه‌التفاوت بهای فروش منزل و مبلغ لازم برای پرداخت مخارج سکونت در خانه سال‌مندان مشمول حکم حقوق الله می‌گردد یا خیر.

تصمیم این جمع آن است که باید به عهده فرد مربوطه واگذار گردد تا با ارزیابی موقعیت و نیات شخصی خویش و با درک خود از نصوص مبارکه، راهی را اتخاذ نماید. (ترجمه)

(یادداشت مورّخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۴ بیت العدل اعظم خطاب به دفتر حقوق الله در ارض اقدس)

[۷۸]

... اگر مایملک شخص علاوه بر پول نقد، شامل ملک و یا سهام نیز باشد، ممکن است با پرداخت نوزده درصد بهای اموال غیر نقدی قبل از نقد کردن آن، شخص دچار ضرر مالی و یا مشاکل دیگر گردد و بنا بر این ترجیح بدهد که حقوق الله خود را بعد از نقد کردن آن بپردازد. در این صورت، قبل از محاسبه مبلغی که حقوق الله به آن تعلق می‌گیرد باید هرگونه مخارجی که برای نقد کردن این اموال صرف شده است از عایدات کسر شود.

هم‌چنین یادآور می‌شود که حقوق الله بر اموالی تعلق می‌گیرد که شخص در هنگام محاسبه مالک آن باشد. این البته بدین معنی نیست که حقوق الله باید فوراً پرداخت شود چرا که در این صورت ممکن است شخص مجبور به فروش بسیاری از متملکات خود شده و در نتیجه مشکلاتی برایش بوجود آید. ولیکن مبنای محاسبه حقوق الله روشن است و این دین باید مآلاً پرداخت گردد.

(نامه مورّخ ۱۰ مه ۲۰۰۶ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

[۷۹]

اصل اساسی این است که بعد از صعود یکی از احبّاً، در محاسبه مبلغ مابقی حقوق الله که احتمالاً باید پرداخت شود بیت مسکونی او و اقلامی مانند اسباب ضروری بیت و ابزار کسب از محاسبه حقوق الله معاف می‌ماند.

منوط به شرایطی که در وصیت نامه قید شده، ممکن است وارثی بعضی و یا تمامی این اقسام را به ارث برد. تعیین اینکه آیا حقوق الله به اموال موروثی تعلق می‌گیرد یا نه بستگی به آن دارد که به چه منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنانچه به مصارفی برسد که حقوق الله به آن تعلق نمی‌گیرد، مانند بیت مسکونی اصلی و یا وسایل ضروری بیت و یا ابزار کسب، وارث از پرداخت حقوق معاف است. ولی اگر وارث به منظور دیگری از آنها استفاده کند، مثلاً اموال موروثی را به وجه نقد تبدیل نماید، مشمول معافیت نخواهد بود. (ترجمه)

(نامه مورخ ۲۱ مه ۲۰۰۶ از جانب بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباب)

[۸۰]

وقتی یک فرد بهائی مبلغی را به نام یکی دیگر از احباب الهی به صندوق تقدیم می‌کند باید به اهداکننده اطلاع داد که وجه مزبور را نمی‌توان به عنوان پرداخت حقوق الله از جانب بهائی دیگر پذیرفت و در نتیجه اهداکننده اختیار داد که وجه مزبور را یا به عنوان حقوق الله خودش پردازد و یا به صورت تبرع به صندوق بین‌المللی بهائی به نام فرد دیگر تقدیم کند و یا اینکه وجه پرداختی به او مسترد گردد. (ترجمه)

(یادداشت مورخ ۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ بیت العدل اعظم خطاب به دفتر حقوق الله در ارض اقدس)

۳. وظایف امنای حقوق الله و محافل روحانی

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله

[۸۱]

هو الصادق الأمين

یا ابا الحسن^۶ انشاء الله به عنایت مخصوصه حق فائز باشی و به ما ینبغی لایام الله عامل. ... قد جعلناک امیناً من لدی الحق و نوصیک بما یرتفع به امر الله رب العالمین و اذن دادیم ترا به اخذ حقوق الهی عاشر مع العباد بالروح و الریحان و کن لهم ناصحاً امیناً و صاحباً شفیقاً ثم ارض بما قضیناه لک.

^۶ معروف به جناب امین، امین حقوق الله در زمان حضرت بهاء الله.

[۸۲]

در باره حقوق به هیچ وجه ذکر جایز نه ... این معلّق و منوط به اقبال خود نفوسست. امر الله و ما نزل فی الكتاب را اکثری شنیده‌اند من شاء فلیعمل و من شاء فلیترک انّ ربّک هو الغنیّ الحمید نفس استغنا باب هدایت است از برای عباد. طوبی از برای نفوسی که منقطعین عن العالم بر خدمت قیام نموده‌اند انّهم من اهل البهّاء فی هذا المنظر المنیر.

[۸۳]

یا ابا الحسن^۷ علیک بهائی به عزّت امر ناظر باش و به ما تنجذب به الأفئدة و العقول تکلم نما مطالبه حقوق ابدأ جایز نبوده و نیست. این حکم در کتاب الهی نازل لأجل بعض امور لازمه که من لدی الحقّ به اسباب مقدّر شده اگر نفسی به کمال رضا و خوشوقتی بلکه به اصرار بخواهد به این فیض فائز شود قبول نمایند و آلا فلا.

[۸۴]

ولکن در ذکر حقوق به یک کلمه کفایت نمایند و لوجه الله به آن کلمه نطق کنند و بس اصرار لازم نه چه که حقّ دوست نمی دارد بر نفوسی که به خدمت قائمند تعبی وارد شود انّهُ هو الغفور الرّحیم و هو الفضّال الکریم.

[۸۵]

هر که اراده نماید حقوق الهی را ادا کند امنا اخذ نمایند و امنا ذکرشان در کتاب الهی بوده و این حکم محض فضل نظر به بعض مصالح از سماء امر جاری و نازل و نفع آن به خود عباد راجع انّهُ یقول الحقّ لا اله الا هو القویّ القدیر ... آنچه به ایشان برسد می‌رسانند طوبی للفائزین.

[۸۶]

هر نفسی به کمال شوق و اشتیاق اراده کند حقوق الله را ادا نماید باید به امثال آن جناب^۸ و معتمدین بدهد و قبض اخذ نماید تا آنچه واقع می‌شود به اذن و اجازه حقّ واقع شود انّهُ لهو المعلم الحکیم.

^۷ مأخذ بالا.

^۸ حاجی ابوالحسن اردکانی.

[۸۷]

و اینکه نوشته بودید که به آن نفوس ذکر شده بود که حقوق الله را به هر نفسی نمی توان داد این کلمه حق بوده باید حقوق الله نزد نفوس امینه جمع شود و بعد به ید امنای الهی به ساحت اقدس ارسال گردد.

[۸۸]

ادای دین لدى الحق مقبول است ولكن مطالبه نمودن حقوق از نفسی جایز نه. از حق بخواهید احباً را مؤید فرماید بر ادای حق الله چه که این فقره سبب پاکی مال و حفظ آن و خیرات و برکات بوده و خواهد بود.

[۸۹]

... باید نفسی عباد را لله متذکر نماید که شاید بر ادای حقوق موفق شوند و تحصیل مقام عالی و اجر باقی نمایند نزد امینی جمع شود و اخبار نمایند تا به ارادة الله عمل شود.

[۹۰]

یا امین علیک بهائی در جمیع احوال به اعزاز امر ناظر باش ... وصیت می نمایم ترا که به افق عزت ناظر باشی احبای الهی را باید به کمال روح و ریحان ناظرأ الی الکلمة بقوله تعالی 'ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین'^۹ متذکر نمود. هر نفسی به روح و ریحان مؤید بر اعمال شد او از مخلصین در کتاب مبین مرقوم و آلا نباید ابداً به او تعرض نمود امروز حق جل جلاله به قلوب و آلی مکنونه در او ناظر است اینست شأن حق و اولیای او جل جلاله باید در باره احباً و دوستان مسئلت نمایید تا حق کل را بر عمل بما فی الکتاب مؤید نماید و اوهمات و شئونات دنیا ایشان را منع ننماید.

قسمتی از آثار حضرت عبدالبهاء

[۹۱]

ثالث فريضة^{۱۰} ترویج احکام الهیه در بین احباً از صلاة و صیام و حج و حقوق و سایر احکام الهیه بالتّمَام.

^۹ قرآن مجید، آیه ۵۵: ۵۱.

^{۱۰} برای اشخاصی که با یکدیگر به مشورت می پردازند یعنی اعضای محافل روحانی.

قسمتی از توقیع صادره از طرف حضرت ولی امرالله

[۹۲]

پرداخت حقوق الله وظیفه‌ای است روحانی و محافل نباید احباً را وادار به پرداخت آن کنند بلکه باید آنان را تشویق نمایند تا این وظیفه روحانی مفروض در کتاب اقدس را ایفا نمایند. (ترجمه)
(۱۲ اکتبر ۱۹۴۶، خطاب به یکی از محافل روحانی ملی)

منتخباتی از دست‌خط‌های صادره توسط ویا از طرف بیت العدل اعظم

[۹۳]

از آنجا که حقوق الله به حکم کتاب یکی از مشروعات امریه و آدایش از فرایض حتمیه اهل بهاء است، مقتضی آنکه آن محفل مقدس یاران عزیز ایران را به اهمیّت این مشروع عظیم آشنا سازند و به تدریج احکام مربوط به حقوق الله را تمتماً طبق شرع مبین در جامعه ترویج نمایند. البته بر وفق نصوص مبارکه مطالبه حقوق الله ممنوع است ولیکن تذکرات عمومیّه که احبای عزیز را در این وظیفه مهمّه بیش از پیش آشنا نماید از جمله وظایف آن امنای امرالله است که انشاءالله با تذکرات اکیده مکرره آن محفل یاران عزیز ایران بر این عمل مبرور که جالب برکات سماویّه و سبب تطهیر اموال نفوس مؤمنه و مؤید خدمات عمومیّه اهل بهاء است مزیداً لما سبق مفتخر و موفق گردند.

(نامه مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی ایران)

[۹۴]

البته یاران الهی به انوار خشیّه الله منور و به لزوم تطهیر و حفظ اموال به نص قاطع ربّ متعال متوجه و ناظرند. در این ایام پرانقلاب ادعیه این مشتاقان به درگاه پروردگار عالمیان متصاعد که آن محفل جلیل را موفق فرماید تا در طی ابلاغیه و جزوه و منشور و اعلان در اجتماعات و دروس و انجمن‌های پیروان امر ربّ غیور یاران و ستاینندگان جمال رحمن را به اهمیّت و قاطعیّت این حکم مقدس الهی مکرراً متذکر دارند و آنان را تشویق و هدایت به اطاعت کامله حقیقیّه از این فرمان مبارک ربّانی فرمایند تا مؤمنین متقین از عواقب تحذیرات مصرّحه محفوظ مانند و به برکات موعوده نائل شوند و به فیوضات محتومه معنویّه فائز گردند.

(نامه مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۹ بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی ایران)

[۹۵]

مسئولیت مستمر آموزش حکم حقوق الله به احبای الهی بر عهده کلیه مؤسسات امری است. اما وکلا و نمایندگان شما با روابط نزدیکی که با آحاد احباً دارند، می توانند به نحوی مؤثر درک آنان را از جنبه های روحانی و عملی این حکم متین افزایش دهند. به عقیده این مشتاقان در حال حاضر نیاز اصلی آن است که ... احباً تشویق به درک و پذیرش مسئولیتی شوند که هر پیرو مخلص امر الهی در مقابل اجرای اصول این حکم محکم بر حسب جزئیات شرایط خود بر عهده دارد. اعضای مؤسسه حقوق الله با اظهارات و توضیحات حکیمانه و مدبرانه خود می توانند در این امر به احباً کمک کنند و در عین حال از اعمال هرگونه فشار و یا اقدامی که اعمال فشار به نظر رسد اکیداً اجتناب نمایند.

وظیفه عمده ای که اکنون پیش روی احبای مخلصی است که به خدمت در مقام وکلا و نمایندگان شما دعوت شده اند، سازمان دهی کار خود برای ایجاد سیستمی قابل اعتماد برای وصول، صدور رسید، حفاظت و ارسال وجوه حقوق الله است. عشق حضرت بهاء الله اول انگیزه احباً در اطاعت از این حکم الهی خواهد بود اما هرچه اعتماد و احترام آنان نسبت به نفوسی که مسئولیت وصول این حقوق الهی از طرف شما به آنها محول گردیده بیشتر باشد احباً وظیفه خود را با اطمینان فزون تری انجام خواهند داد. (ترجمه)

(نامه مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۹۲ بیت العدل اعظم خطاب به امین حقوق الله، ایادی عزیز امر الله جناب علی محمد ورفا)

[۹۶]

آنچه شما به انجام آن فرا خوانده شده اید از اهمیتی حیاتی برخوردار است. مسئولیت شما آموزش احبای عزیز در باره حکمی است که در کتاب مستطاب اقدس به آنان تفویض شده و بر طبق آن باید بخش معینی از دارایی خود را به ساحت خداوند متعال تقدیم دارند. وظیفه شما وظیفه ای اساساً روحانی است، یعنی معطوف ساختن توجه احباً به وظایف شان به عنوان پیروان حضرت بهاء الله و به این طریق ایفای نقش مهمی است در تقویت و بسط روابط محبت و اطاعتی که باید فرد مؤمن را با خالقش پیوند دهد. در دنیایی که اذهان معطوف به لذت طلبی است، از شما دعوت شده است که به احیای مفهوم مقدس وظیفه و تعهدات و پای بندی های دینی بپردازید.

کاری که شما به آن اشتغال دارید بی نهایت خطیر و ترویج حکمی است که عاملی بنیادین در حیات روحانی فرد می باشد و روحیه و طرز فکر فرد در اجرای آن یکی از خصوصیات اساسی رعایت این حکم است. انجام وظیفه شما به طرز شایسته مستلزم رعایت نهایت درجه حساسیت و بصیرت، اجتناب از اعمال هر نوع فشار بر احباً برای

تمسک به حکمی که مسئله‌ای است وجدانی، و یافتن روش مراوده صحیحی است برای تذکرات به موقع و در عین حال اجتناب از تکرارهای بی حاصل.

عامل اصلی برای موفقیت مجهودات میزان توانایی شما در ایجاد و تحکیم روابط محبت و اعتماد با احبابی است که مأمور مساعدت به آنها شده‌اید تا مصاحبت و تعامل با شما مشوق آنان برای تمسک صمیمانه به حکم حقوق الله و استفاضه از فواید بی شمار روحانی آن باشد.

مؤسسه حقوق الله که هنوز مراحل اولیه توسعه جهانی خود را طی می‌کند در قرون آتیه گسترش خواهد یافت و شکوفا خواهد شد و منابع مادی لازم برای ترقی و تقدم نوع بشر را تأمین خواهد نمود. پس چقدر حائز اهمیت است که چنین مؤسسه‌ای با صداقت کامل در مدیریت‌اش و امانت آشکار خادمین‌اش ممتاز و متمایز باشد. مساعی شما مطمئناً به نحوی ادامه خواهد یافت که حسن شهرتی را که مؤسسه حقوق الله در انظار احباً احراز نموده تقویت و افزایش بخشد. (ترجمه)

(نامه مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۹۷ بیت العدل اعظم خطاب به وکلا و نمایندگان مؤسسه حقوق الله)

[۹۷]

مساعدت به آموزش احباً در باره حکم حقوق الله و اهمیت آن یکی از وظایف نمایندگان است. این فرایند آموزش طبیعتاً نمی‌تواند منحصر به افرادی باشد که میزان دارایی‌شان آنان را مشمول این حکم می‌نماید زیرا اغلب فقط خود فرد مربوطه از این واقعیت مطلع است. اطفال نیز باید حکم حقوق الله را به عنوان قسمتی از تعلیم و تربیت بهائی خود بیاموزند. احباً گاهی اوقات چنان از مفهوم این حکم به شوق و شور در می‌آیند که حتی اگر مشمول آن هم نباشند آرزوی خود را برای تقدیم تبرع به صندوق حقوق الله ابراز می‌دارند. بیت العدل اعظم بیان فرموده‌اند که نمایندگان مجازند این گونه تبرعات را بپذیرند.

به عبارت دیگر اگر نفسی به خاطر حبیبی که به امر مبارک دارد مبلغی به حقوق الله بپردازد، وظیفه نماینده امین حقوق الله نیست که بپرسد آیا نفس مزبور مکلف به رعایت این حکم هست یا خیر بلکه باید در کمال لطف و محبت آن را بپذیرد.

این مسئله، همان طور که مستحضرید، با تشویق احباً به ادای حقوق الله به میزانی بیش از آنچه حکم الهی معین نموده کاملاً متفاوت است و چنین تشویقی انحراف از روح حکم منزله حضرت بهاء الله خواهد بود. (ترجمه)

(نامه مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۸ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباً)

[۹۸]

به وضوح، طی ده سال گذشته تعداد فزاینده‌ای از احبّاً از اهمّیت حکم حقوق الله آگاه شده‌اند و مفاد آن را رعایت می‌کنند. بجاست که با رضایت به نتایج زحمات خود بیاندیشید و نقشه‌های خود را جهت اتّساع نفوذ این حکم محکم الهی به کلیّه قسمت‌های جامعه جهانی بهائی تدوین نمایید. صداقت شما، مراقبت دقیق و کاملی که در اداره و جوهی که به شما سپرده شده به کار برده‌اید، و کارایی شما در صدور رسید و حفظ دقیق سوابق، همگی به جلب اعتماد احبّاً نسبت به این مؤسسه و به اعتبار و حُسن شهرتی که در جامعه بهائی از آن برخوردار است کمک کرده است.

شما با اجرای وظایف خود، به پیشبرد فرایندی کمک می‌کنید که در قرون آینده سبب چنان تحوّلی در اجتماع خواهد شد که درک آن امروز به مراتب فوق توانایی بهائیان عالم است. (ترجمه)

(نامه مورّخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۳ بیت العدل اعظم خطاب به وکلا و نمایندگان مؤسسه حقوق الله)

[۹۹]

به علاوه، مجهودات در جهت توسعه دواير مرکز جهانی و به طور اخصّ برای تکامل مستمرّ مؤسسه حقوق الله تحت رهبری ممتاز ایادی عزیز امر الله جناب دکتر علی محمد ورقا مشهود بود. جناب دکتر ورقا با ابتکارات خردمندانه و مساعی مداوم خود الهام‌بخش احبّای عزیز عالم در آموختن حکم محکم حقوق الله بوده‌اند. در طی ده سالی که از تنفیذ جهانی حکم حقوق الله می‌گذرد، شبکه‌ای از هیئت‌های ملّی و منطقه‌ای امنای حقوق الله به وجود آمده است که به هماهنگ ساختن و هدایت خدمات تعداد فزاینده‌ای از وکلا و نمایندگان حقوق الله مشغول است. آگاهی نسبت به این حکم عظیم گسترشی وسیع یافته و یاران در جمیع قارّات با روح اخلاص آن را اجابت نموده‌اند و امین محترم حقوق الله امیدوارند که چنین روحیه‌ای در نفوسی که هنوز از برکات موعوده منبعث از تمسک به این حکم بهره‌مند نشده‌اند نیز مؤثر گردد. (ترجمه)

(پیام رضوان ۲۰۰۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

[۱۰۰]

با نزدیک شدن گردهمایی ای ... که جلسه افتتاحیه شما در مقام امنای هیئت بین‌المللی حقوق الله خواهد بود، تصمیم این جمع بر آن شد که حال وقت مقتضی فرا رسیده است تا هدایاتی چند در مورد وظیفه شما و توسعه امر حقوق الله در سال‌های آینده را در اختیار شما بگذاریم.

همان طور که در مکتوب ... مبنی بر انتصاب شما ذکر شد، وظایف شما همانا مراقبت از حقوق الله و تأسی به امین حقوق الله، ایادی امر الله جناب علی محمد ورقا می‌باشد.

قسمت عمده‌ای از وظایف وکلا و نمایندگان در سراسر جهان ادامه آموزش احباً در حکم حقوق الله خواهد بود. تعلیم لازم باید با رعایت اعتدال و شکیبایی انجام شود تا قلوب احباً به اطاعت از مقررات حکم حقوق الله به عنوان جزئی از اشتیاقشان برای طی مسیر ترقیات روحانی‌ای که حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند منجذب گردد. مهم‌ترین خصوصیات این حکم باید حتی‌المقدور به ساده‌ترین نحو بیان گردد تا یاران عزیز مکلف به ادای حقوق، به خاطر ترس بیجا از پیچیدگی نحوه اجرای آن از این فیض روحانی محروم نشوند.

شان و منزلت امر الله تحت هر شرایطی باید مورد توجه خاص قرار گیرد....

از شما تقاضا می‌کنیم ... که جزئیات شبکه‌ای از هیئت‌های ملی یا منطقه‌ای را که شامل تمامی جامعه جهانی می‌شود پیشنهاد کنید و افرادی را برای عضویت این هیئت‌ها توصیه نمایید. در کشورهایی که تعداد معتنابهی از احباً مکلف به ادای حقوق الله هستند وجود یک هیئت ملی مناسب خواهد بود. برای پوشش گروهی از سایر کشورها باید هیئت‌های منطقه‌ای تشکیل شود به این امید که با رشد جامعه بهائی در آینده، چند هیئت ملی جایگزین هریک از هیئت‌های منطقه‌ای خواهد شد.

اعضای این هیئت‌ها برای یک دوره سه‌ساله منصوب خواهند شد و امکان انتصاب مجدد آنها نیز وجود دارد. تاریخ مشخصی برای این انتصاب تعیین نشده است تا هر زمان که یکی از وکلا قادر به ایفای وظایف خود نباشد بتوان جای‌گزینی برای او برگزید. تصمیم این جمع بر آنست که حضرات مشاورین نباید برای عضویت در این هیئت‌ها در نظر گرفته شوند.

هیئت‌های منطقه‌ای و ملی وظیفه انتصاب نمایندگان را برای یک دوره سه‌ساله به عهده خواهند داشت و مانند وکلا، وقتی نماینده‌ای برای جای‌گزینی عضوی که قادر به انجام وظایف نیست، منصوب می‌گردد، فرد جدید الانتصاب به مدت سه سال کامل خدمت خواهد نمود.

حتی‌المقدور نمایندگان ملزم به وصول و ایصال وجوه و صدور رسید نخواهند بود ... این تعدیل در وظایف نمایندگان به این معنی است که کار آنان جنبه آموزشی خواهد داشت. (ترجمه)

(نامه مورخ ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به اعضای هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله)

[۱۰۱]

در مرکز جهانی نیز تغییر و تحولات جدیدی به وقوع پیوسته است. تصمیم این جمع آن است که وقت تأسیس هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله برای سرپرستی هیئت‌های ملی و ناحیه‌ای امنای حقوق الله در سراسر عالم فرا رسیده است. این هیئت در انجام وظایف خویش با امین برگزیده حقوق الله، ایادی عزیز امر الله جناب دکتر علی محمد ورقا، هم‌کاری نزدیک خواهد داشت و از دانش و بینش ایشان بهره‌مند خواهد گردید. سه نفر دوستانی که هم‌اکنون به عضویت هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله منصوب شده‌اند عبارتند از خانم سلی فو (Sally Foo) و آقایان رامین خادم و گرانت کوال‌هایم (Grant Kvalheim). دوره خدمت اعضای این هیئت بعداً معین خواهد شد. اعضای این هیئت ساکن ارض اقدس نخواهند بود ولی برای انجام وظایف محوله از تسهیلات موجود در دفتر حقوق الله در مرکز جهانی استفاده خواهند نمود. (ترجمه)

(پیام رضوان ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

[۱۰۲]

نامه مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۵ شما در خصوص مجاز بودن پرداخت حقوق الله از طریق محافل روحانی ملی به بیت العدل اعظم واصل و برای پاسخ به این دایره ارجاع گردید.

... دوستان الهی ممکن است ترجیح دهند که پرداخت‌های حقوق الله خود را از طریق امنای صندوق محافل ملی خود انجام دهند و بیت العدل اعظم این حق را برای احبباً محفوظ داشته‌اند که چنانچه مایل باشند حقوق الله را از این طریق پرداخت نمایند. (ترجمه)

(نامه مورخ ۱۹ ژانویه ۲۰۰۶ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملی)

[۱۰۳]

مؤسسه حقوق الله، تحت سرپرستی ایادی عزیز امر الله دکتر علی محمد ورقا که پنجاه سال پیش از طرف حضرت شوقی افندی به مقام امین حقوق الله منصوب شدند، بی‌وقفه در حال پیشرفت بوده و با تشکیل هیئتی بین‌المللی، در سال ۲۰۰۵، جهت ترویج و استمرار این حکم عظیم که منبعی از برکات لانهایه الهیه برای جامعه انسانی است، به مرحله مهمی از پیشرفت خود رسیده است.

(پیام رضوان ۲۰۰۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم)

۴. مصارف حقوق الله

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله

[۱۰۴]

حکم محکم اینکه در هر بلد آنچه از حقوق الله موجود است و یا بشود باید در ساحت اقدس عرض شود آنچه حکم صادر معمول گردد تا هر امری منظم باشد.

[۱۰۵]

و اینکه در باره فقرا نوشته بودید که می شود حقوق الهی را به آنها داد یا نه این فقره منوط به اذن است در هر محل که حقوق الهی جمع شد باید تفصیل آن و تفصیل فقرا عرض شود آنه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید چه اگر عموماً اذن داده شود خالی از اختلاف نخواهد بود و سبب زحمت خواهد شد.

قسمتی از آثار حضرت عبدالبهاء

[۱۰۶]

و حقوق را به موجب نصوص کتاب اقدس جمع نمایید در محلی و صرف مواقع لازمه نمایید ولی به کسی در آنجا تکلیف دادن حقوق ننمایید مگر آنکه خود به صرافت طبع و طیب خاطر دهند.

قسمتی از دست خط های حضرت ولی امر الله

[۱۰۷]

به نصّ وصایا حقوق الله باید صرف امر تبلیغ در ممالک شرقیه و غریبه و تأسیس معاهد و معابد امریه و ترویج اعمال خیریه و منافع عمومیّه گردد.

(نامه مورّخ ۱۵ ژانویه ۱۹۳۳ از جانب حضرت ولی امر الله خطاب به یکی از احبّاً)

منتخباتی از دست خط های صادره توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم

[۱۰۸]

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه می فرمایند، "تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی به اذن و اجازه مرجع امر." تمهیدات مقرر در الواح مبارکه وصایا مبنی بر اینکه حقوق الله "راجع به ولی امر الله است" به وضوح منطبق با این اصل است. حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک دیگری بیت العدل اعظم را "مرجع کل امور" ذکر فرموده اند و در غیاب ولی امر الله بدیهی است که بیت العدل اعظم معهد اعلی و مؤسسه مرکزی امر مبارک می باشد. به علاوه، قبل از دوران حضرت عبدالبهاء، حضرت بهاء الله بیان زیر را نازل فرموده بودند: "از برای حقوق الهی قرار است معین بعد از تحقق بیت العدل علی ما اراده الله حکم آن ظاهر می شود." طبق این نصوص صریحه بدیهی است که اتخاذ تصمیم برای وصول و صرف حقوق الله در حال حاضر در حیطه اختیارات بیت العدل اعظم است. (ترجمه)

(نامه مورخ ۲ مارس ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم خطاب به حضرات ایادی امر الله مقیم ارض اقدس)

[۱۰۹]

و اما در مورد حقوق الله، ... حق نظارت بر اداره حقوق الله منحصرأ به مرکز امر الله اختصاص دارد. برخی "اختیارات و وظایف" به بیت العدل اعظم اختصاص یافته که در قانون اساسی بیت العدل اعظم بر شمرده شده است از قبیل "حفاظت نصوص مقدسه"، "ترویج مصالح امر الله"، "اعلان و انتشار و تبلیغ دین الله" و غیره. وجوه عاید از ادای حقوق الله به صلاح دید بیت العدل اعظم در جهت حصول این اهداف صرف می شود. (ترجمه)

(نامه مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباب)

[۱۱۰]

سؤال نموده اید که بیت العدل اعظم در کجا و به چه ترتیب استفاده از وجوه واصله از پرداخت حقوق الله را گزارش می دهند. بیت العدل اعظم گزارشی از مخارج جاری این وجوه صادر نمی کنند اما استفاده از این وجوه جنبه سری و مخفیانه ندارد. در نصوص مبارکه به صراحت آمده است که حقوق الله باید به مرجع امر که همه باید به آن توجه نمایند پرداخت شود و ذکر شده است که وجوه مزبور "الأجل الصرف علی الفقراء و الضعفاء و المساکین و الایتام و سائر المصارفات اللازمة فی امر الله" است. تصمیمات مربوط به مسائلی نظیر وقت و راه های صرف وجوه و مبلغ آن به عهده بیت العدل اعظم است.

حال، مانند دوران قیادت حضرت شوقی افندی، کلیهٔ وجوه دریافتی توسط مرجع امر الله برای ترویج مصالح امر مبارک در مرکز جهانی و در سراسر عالم استفاده می‌شود. در نشریهٔ مؤسسهٔ حقوق الله، شمارهٔ ۶ ذکر شده است که وجوه برای اهدافی چون "ترویج امر تبلیغ و نشر نفعات الله در سراسر جهان، مراقبت و حفظ و نگهداری و بازسازی اماکن مقدسهٔ امری، بنای مرکز اداری جهانی بهائی، حمایت از فعالیت بسیاری از مؤسسات و نهادهای امری، ساخت و بازسازی مشارق اذکار، تأسیس و حمایت مؤسسات جدید، امور خیریه و عام المنفعه، و حمایت از مصالح متعدد جهانی امر مبارک" (ترجمه) مصرف می‌گردد.

استفادهٔ مؤثر از حقوق الله و سایر وجوه موجودی که تحت اختیار بیت العدل اعظم است را می‌توان در تحولات عظیمی که در مرکز جهانی بهائی و در سراسر جامعهٔ جهانی بهائی حاصل شده مشاهده نمود، جامعه‌ای که بسیاری از بودجه‌های ملی آن به علت فقر اکثریت عظیمی از احبای جهان و عدم استطاعت آنها به حمایت از صندوق‌های ملی خود، باید از طریق مساعدت‌های بیت العدل اعظم تأمین گردد....

حقوق الله، همان طور که از نامش مستفاد می‌شود، از خصیصهٔ خاصی برخوردار است که آن را از کلیهٔ صندوق‌های دیگر امری متمایز می‌سازد. ماهیت و هدف آن و برکات حاصله از پرداخت آن را می‌توان در مجموعه‌ای که تحت این عنوان انتشار یافته مطالعه نمود....

تبّع به صندوق‌های امری و هم‌چنین پرداخت حقوق الله، طبق اصول بهائی به طور محرمانه صورت می‌گیرد و برای آنها رسید صادر می‌شود... اطمینان داشته باشید که در مرکز جهانی بهائی روشی برای مدیریت مالی اتخاذ شده تا حساب‌ها به طور دقیق نگه‌داری شود و از هرگونه حادثهٔ مُسرفانه و یا خدای نکرده سوء استفاده احتمالی نیز جلوگیری به عمل آید، روشی که هم محرمانه بودن هر تبّع را حفظ می‌کند و هم پاکی و صداقت استفاده از کلیهٔ وجوه و اگذار شده به بیت العدل اعظم را تضمین می‌نماید. (ترجمه)

(نامهٔ مورخ ۱۶ فوریه ۱۹۹۸ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبای)

[۱۱۱]

و اما در پاسخ به نگرانی خاص شما که موجب مطرح کردن این سؤال گردیده خاطر نشان می‌سازد که استفاده از وجوه عاید از حقوق الله که منحصراً به اختیار و نظر مرجع امر الله انجام می‌شود، طیف وسیعی از مصارف مختلف و بالمآل نیازهای متنوع جامعه را به طریقی در بر خواهد گرفت که به حل مشکلات اقتصادی نیز کمک خواهد کرد. اما این ایام هنوز بدایت اجرای این حکم در سراسر جهان است و برای بیت العدل اعظم در وضع فعلی جامعهٔ بهائی و یا در اوضاع کنونی اجتماع، امکان پذیر نیست که به شرح و بسط این جزئیات بپردازند. حقوق الله در حال

حاضر عمدتاً برای امور جامعه بهائی مصرف می‌شود که البته شامل مجهودات اولیه‌اش در راه توسعه اجتماعی و اقتصادی نیز می‌گردد. (ترجمه)

(نامه مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۹۹ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[۱۱۲]

همان طور که واقفید، وظیفه احبّاء در مورد ادای حقوق الله در کتاب مستطاب اقدس مقرر شده و این پرداخت‌ها به مرجع امرالله که اکنون بیت العدل اعظم است تقدیم می‌شود. اتخاذ تصمیم در مورد مصرف آن به عهده بیت العدل اعظم است و در حال حاضر وقف و وظیفه خطیر استقرار نظم جهانی حضرت بهاءالله می‌گردد که لازمه اصلی حلّ پایدار ابتلائاتی است که عالم انسانی اکنون دچار آن است.

بیت العدل اعظم ترتیباتی فراهم نموده‌اند تا حساب دقیق و تفصیلی عایدات و مخارج صندوق حقوق الله توسط هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله و دفتر حقوق الله در ارض اقدس نگه‌داری شود. بیت العدل اعظم بر فعالیت مؤسسه حقوق الله نظارت دارند و کاملاً راضی و مطمئن هستند که امور در کمال صحت و امانت اجرا می‌شود.

چنین اظهار اطمینانی از طرف بیت العدل اعظم البته برای اعضای جامعه بهائی کافی است. بیت العدل اعظم در حال حاضر لزومی نمی‌بینند که اطلاعات مربوط به حساب‌های حقوق الله به ناظران خارج از جامعه ارائه داده شود؛ چنانچه در آینده وضعی پیش بیاید که مناقشه‌ای عمومی راجع به این موضوع به میان آید، بیت العدل اعظم هر اقدامی را که در آن زمان مصلحت بدانند به عمل خواهند آورد. (ترجمه)

(نامه مورخ ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۶ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

این ترجمه در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۲۲ تجدید گشت